

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

### آسیب شناسی تقنینی و قضائی مجازاتهای جایگزین حبس

پدیدآورده: داود خاکسار

استاد راهنما: جناب آقای دکتر حسین غلامی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر مؤذن زادگان

علوم انسانی:

حقوق جزا و جرم شناسی

[d.khaksarlawyer@yahoo.com](mailto:d.khaksarlawyer@yahoo.com)

چکیده:

سیاست جنایی سازمان ملل متحد و نظام های حقوقی پیشرفته معاصر با الهام از دیدگاه های نوین جرمشناسی و کیفر شناسی و جامعه شناسی کیفری بر این اساس استوار می باشد که استفاده از زندان به عنوان آخرین حربه برای مقابله با مجرمان خطرناک و توسل به مجازات اجتماعی جایگزین در سطح گسترده، نه تنها امنیت جامعه را تضمین می نماید، بلکه ضمن رعایت الزامات ناظر بر حقوق بشر و کرامت انسانی، هزینه های عدالت کیفری را به گونه چشمگیری کاهش می دهد. سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران نیز در حال حاضر به این جنبش اصلاحی درمانی پیوسته است، اما در مقام تقنین و قضا خروجی آراء دادگاهها مبین این مهم بوده که تحدیدات و موانع تقنینی بی شمار از یکطرف و ناکارآمدی آئین نامه اجرائی جایگزین ها و عدم فرهنگ سازی مناسب در بستر جامعه سبب عدم اعمال جایگزین های اجتماعی محاکم گردیده است.

در این مقاله با بررسی مجازاتهای جایگزین اعم از سنتی و نوین ایرادات و موانع تقنینی معرفی، و با تجزیه تحلیل آراء صادره در خصوص جایگزین های حبس، تعاملات و تعارضات قوای تقنینی و قضائی را مورد بررسی قرار داده و نهایتاً نتیجه گیری نموده که علاوه بر ضرورت اصلاح و بازنگری قانون مجازات اسلامی ناظر بر مجازاتهای جایگزین حبس و آئین نامه اجرای آن، همچنین نیازمند فرهنگ سازی مناسب در بستر جامعه و آموزش نهاد های پذیرنده دولتی و نهادهای عمومی حقوقی غیر دولتی هستیم، همچنین ضرورت فرهنگ سازی و تغییر نگرش دستگاه قضائی از کیفر گرایی محض به رویکردهای نوین اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی مجرمین بوده که تحقق این امر بصورت ریشه ای و بنیادین مستلزم تغییر فرهنگ جامعه و رشد افکار عمومی بوده مبنی بر اینکه دیگر مجازات سالب آزادی با توجه به مضرات عدیده ای که دارد با شکست مواجه شده و اعمال جایگزین ها (مجازاتهای اجتماعی نوین) بهترین روش برای اعمال مجازاتهای هدفمند اصلاحی درمانی می باشد. که در این راستا آموزش و تشویق و ترغیب و نهایتاً اجبار دستگاههای پذیرنده به پذیرش مددجویان و استفاده از نیروی کار و تخصیص آنها در مشاغل مختلف با نظارت ویژه مراقبتی اصلاحی بسیار حائز اهمیت می باشد.

واژگان کلیدی:

سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی، سیاست جنایی مشارکتی، جایگزین های سنتی جایگزین های نوین، مجازاتهای جایگزین حبس

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

### مقدمه

سیاست جنایی ایران در طول دوران تقنینی، قضائی، اجرایی خود مبتنی بر جرم انگاری افراطی و سزادهی محض بوده که به تبعیت از سایر نظامهای کیفری در گذشته های دور مجازاتهای شدید بدنی به عنوان یگانه مکانیزم واکنش اجتماعی علیه جرم بوده که در این دوره مجازات بر پایه انتقام و سزادهی و توان گیری مجرم استوار بوده که فرد اجلائی آن اعدام و شکنجه های بسیار غیر انسانی و خشن بوده است. باگذشت زمان مجازات حبس به تدریج به عنوان مجازات شایع و اصلی جایگزین مجازاتهای بدنی و ترحیمی گردید، که تا سالیان سال علیرغم وضعیت نامناسب و رقت بار، زندان جایگزینی مناسب و امیدوار کننده در نظام های کیفری قلمداد می گردید.<sup>1</sup>

اکنون پس از گذشت سالها از تاسیس نهاد زندان به عنوان مجازات بزهکاران علی رغم ظهور مکاتب فکری در تبیین جرم و واکنش در مقابل آن و پیشرفت علوم جرم شناختی، اما هنوز این نهاد زندان به عنوان کیفر اصلی توسط محاکم جزایی اعمال می شود و قانونگذاران آن را در قوانین کیفری خود پیش بینی می نمایند. هرچند که وضعیت زندانها از هدف سزادهی به سوی اصلاح بزهکاران حرکت و تغییر جدی داشته است ولی باز هم شاهد استفاده از این مجازات توسط قضات کیفری می باشیم.

توجه افکار عمومی در مجازات کردن بزهکاران خطرناک و خشن هم به گونه ای محاکم را به سوی تعیین زندان به عنوان کیفر مهم و اساسی سوق می دهد.

اصولاً تراکم پرونده های کیفری و فشار افکار عمومی در جهت اتخاذ تصمیم قضائی سریع، به تدریج سبب شده است، که قضات علیرغم تخصص فنی و علم لازم مطالعات کمتری از لحاظ نظری و یا جرم شناختی به مباحث جدید داشته باشند و همین موضوع تفکیک قابل تاملی را بین قضات و مجامع دانشگاهی ایجاد کرده است، شاید توجه بیش از حد به مبانی نظری در دانشگاه ها و تکیه به مباحث عملی در دادگاه مالا به دور ساختن این پیوند کمک کرده باشد. لذا پیوند این دو نهاد می تواند اهداف قانونگذاری را به عنوان تعیین سیاست کیفری برای اندیشه های اصلاحی و بازسازی بزهکاران تأمین نماید.<sup>2</sup>

سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران با وضع قانون مجازات اسلامی 1392 و اختصاص فصل نهم این مجموعه به مجازاتهای جایگزین حبس، به پیروی از سیاست های کلی و راهبردی نظام (مصوب مقام معظم رهبری) و الهام از آموزه های جدید در صدد اصلاح و درمان مجرمین و باز اجتماعی کردن آنها و پرهیز از اندیشه و تدابیر سزادهی و سرکوبگری صرف برآمده، که این تغییرات نوید بخش ظهور سیاست جنایی مشارکتی (واکنش های کیفری در کنار تدابیر غیر کیفری) خواهد بود. قطعاً اعمال جایگزین های حبس که مبتنی بر مداخله جامعه مدنی باشد سبب اصلاح و درمان مجرمین پیشگیری از تکرار جرم، حمایت از حقوق بزه دیده در راستای عدالت ترمیمی و کاهش جمعیت زندان خواهد شد.

این گرایش قانونگذار به سمت یافته های نوین جرمشناسی و جامعه شناسی کیفری و کیفر شناسی زمانی ارزشمند و نیکو می باشد، که پیامدهای قضائی و اجرائی آن که در آراء دادگاه ها متجلی و متبلور می گردد حاکی از اعمال مجازاتهای جایگزین حبس با نگرش بر فلسفه وجودی آن یعنی اصلاح و درمان مجرمین، فردی کردن مجازاتها، پیشگیری از تکرار جرم و حبس زدایی باشد، که با کمال تأسف نتایج حاصله بیانگر این مهم می باشد که به لحاظ موانع و تحدیدات عدیده تقنینی و خلاء ها و ابهامات موجود در قانون مجازات اسلامی ناظر بر مجازاتهای جایگزین های حبس و همچنین نارسا و ناکار آمد بودن آئین نامه اجرائی آن سبب گردیده که قضات هیچگونه رغبتی به اعمال جایگزین های نوین حبس از خود نشان نمی دهند و بعضاً که محاکم حکم به اعمال جایگزین ها صادر می نمایند اکثراً جایگزین های سنتی بوده که در درجه اول جزای نقدی و بعضاً هم تعلیق اجرای مجازات صادر می نماید، و جایگاه جایگزین های نوین در آراء محاکم بسیار کم رنگ و محجور می باشد.

اختصاص مجازاتهای نوین اجتماعی جایگزین حبس به درجات پایین مجازاتها ناظر بر ماده 19 ق.م.ا با فلسفه و روح جایگزین ها که مبتنی بر اصلاح و درمان مجرمین و بازپذیری اجتماعی آنها بوده در تعارض می باشد و از این حیث شایسته است، با مطالعات تطبیقی پیرامون موضوع، با کشورهای پیشرو و موفق در این زمینه، دایره شمول مجازاتهای اجتماعی را به درجات بالاتری از مجازاتها اختصاص داده و جنبه تخییری اعمال جایگزین ها را محدود و جنبه الزامی بودن آنها افزایش دهیم.

در این پژوهش سعی گردیده باتوجه به راهنماییهای بسیار ارزشمند استاد و راهنما جناب آقای دکتر غلامی از نقطه نظرات و رهنمودهای دکترین برجسته حقوقی، و مسئولین عالی رتبه قوه قضائیه، قضات شریف محاکم کیفری بدوی و تجدیدنظر و دیوانعالی کشور وکلای معزز دادگستری کمال استفاده را داشته باشیم و از نزدیک شاهد تلاش مستمر معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه در برگزاری سمینارها و کارگاههای آموزش متعدد در کلیه استانها در خصوص چالشهای تقنینی قضائی جایگزین های حبس بوده، و همچنین شاهد تلاش بی وقفه دکترین پژوهشگاه قوه قضائیه که با پالایش آراء صادره و آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی و برگزاری سمینارها و همایش های متعدد خصوصاً در باب جایگزینهای نوین حبس باشیم که این نهاد علمی، پژوهشی، قضایی تا چه میزان در صدد مرتفع نمودن این مشکلات تقنینی برآمده تا بلکه موجبات توسل و گرایش قضات به اعمال این نهاد نوین را تقویت نمایند. بررسی آراء صادره از محاکم قضائی بیانگر این مهم می باشد که قضات محاکم کیفری به لحاظ مشکلات عدیده و موانع موجود در قانون و آئین نامه اجرایی آن، خصوصاً در باب تعامل با نهادهای پذیرنده و نا کارآمدی دستورالعمل های موجود در باب نحوه مراقبت و نظارت و شرایط دشوار نحوه محاسبه و تبدیل مجازاتهای جایگزین، از اعمال جایگزینها اجتناب می نمایند. و تعداد اندکی از محاکم کیفری که مبادرت به صدور حکم مجازات جایگزین می نمایند،

1- آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازاتهای بینابین، چاپ دوم دانشگاه تهران 11385

2- نیکنام، ریاست شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان فارس، مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی، مجازاتهای جایگزین حبس، معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه، اردیبهشت 1395

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

اکثریت جایگزین های سنتی خصوصاً در درجه اول جزای نقدی و در درجه بعد تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط را صادر می نمایند، به ندرت جایگزین های نوین مورد حکم قرار می گیرد.

در این مقاله، بدو کیفر حبس و مجازاتهای جایگزین از دیدگاه اسلام و نظام تقنینی ایران ارائه متعاقباً کلیه موانع و تحدیدات تقنینی و قضائی ناظر بر مجازاتهای جایگزین حبس اعم از سنتی و نوین مورد مقایسه و بررسی قرار گرفته و به ابهامات و اشکالات موجود در قوانین و مقررات موضوعه ایران در این خصوص پرداخته شده و نهایتاً ضمن تجزیه و تحلیل آراء قضائی مبادرت به نتیجه گیری و بیان پیشنهادات و سازوکارهای مناسب اعمال جایگزین های حبس پرداخته شده است. آنچه در این پژوهش حائز اهمیت می باشد اینکه با تلاش فراوان درصدد این مهم بوده ایم که با استفاده از نقطه نظرات دکترین حقوقی رویه قضائی و دیدگاههای مسئولین و مقامات قضائی و تجزیه و تحلیل آراء محاکم، بتوانیم پاسخ سوالات ذیل را تحصیل و استخراج نماییم.

- 1- علل ظهور و بروز جنبش استفاده از مجازاتهای جایگزین حبس در نظام تقنینی ایران چه بوده است؟
  - 2- شرایط و الزامات ناظر بر استفاده از مجازاتهای جایگزین حبس تا چه حدی موجبات تسهیل یا تحدید توسل به آنرا فراهم می نماید؟
- گفتار اول: مبانی و مفاهیم کیفر حبس و مجازاتهای جایگزین در اسلام و ایران
- الف - مبانی کیفر حبس در اسلام:
- در طول تاریخ اسلام اشخاص به مقتضای جرایم ارتكابی مجازات می شدند، حال اگر جرایم مرتکب شده از جمله اموری بود که در شرع اسلام مجازات حبس برای آنها تعیین شده بود، محبوس می شدند. این روند در دوران حکومت پیامبر (ص) آغاز و در دوره های بعد از ایشان در جوامع اسلامی جریان داشت. پس حبس کردن محکومین و متهمین در عصر پیغمبر (ص) رواج داشت.
- در کتاب شفاء القلیل تالیف خفاجی آمده است که در زمان پیامبر (ص) و ابوبکر و عثمان زندان وجود نداشته و محکومین را با توجه به امکانات در مسجد یا دهلیز ها زندانی می کردند. لیکن آنگاه که زمان حکومت علی (ع) رسید ایشان برای اولین بار در اسلام زندانی احداث کرد که نافع نامیده می شد البته بصورت محصور به دیوار نبود و موجب فرار متهم یا محکوم می گردید و زندان دیگری ساختند که مخیس نام داشت.
- مؤلف احکامالسجون ویژگی های دو زندان علی (ع) را از زبان دانشمندان نظیر استاد توفیقالفکیکی دکتر مصطفی، قاضی نعمان، ابن عابدین و غیره به طور مفصل ذکر کرده است که ماحصل در اینجا به مقتضای این نوشتار به طور فهرست وار یادآور شده که به قیاس آن با آموزه های جدید جرمشناسی اشاره گردیده است:
- 1- دو زندان علی (ع) بر مبنای اندیشه کیفر دادن به منظور اصلاح بود. (جنبه اصلاح و درمان مجرمین مکتب تحقیق و دفاع اجتماعی نوین)
  - 2- ارزش قائل شدن به شخص زندانی و خوش رفتاری با آنها، که در قیاس با دیدگاههای نوین جرم شناسی باز اجتماعی کردن مجرمین و توجه به شخصیت بزهارک و تشکیل پرونده شخصیت مکتب دفاع اجتماعی نوین
  - 3- داشتن برنامه های تدریجی و آموزش قرآن و فرا گرفتن سواد خواندن و نوشتن، در قیاس با تازه های جرم شناسی تحت عنوان اقدامات ترمیمی و تربیتی مطرح می باشد.
  - 4- انجام دادن عبادت های شرعی، اصلاحی، تربیتی و دینی نشأت گرفته از دیدگاههای روشن آن حضرت جهت اصلاح و تربیت
  - 5- اجازه خروج زندانی برای تشییع جنازه نزدیکانش، بیانگر عدم طرد محکوم از جامعه و خویشان و بستگانش در راستای باز اجتماعی کردن وی و جلوگیری از قطع روابط اجتماعی
  - 6- اجازه خروج زندانی برای شرکت در نماز های جمعه، در راستای اصلاح و تربیت محکوم با آموزه های دینی
  - 7- عفو کردن زندانی مریض که امید بهبود وی نبود. حاکی از این بوده که تمام حالات روحی و روانی و فیزیکی محکوم مورد توجه آن حضرت بوده و بیانگر هدفمندی مجازاتها از دیدگاه ایشان بوده است.
  - 8- اجازه اشتغال به کار برای محبوسین که به خاطر بدهی به زندان افتاده بودند، که در قیاس با دیدگاههای نوین کیفر شناسی و جرم شناسی تحت عنوان نظام نیمه آزادی جایگزین های سنتی در حال حاضر مطرح می باشد.
  - 9- فراهم بودن امکان ارتباط زندانی با همسر خویش بیانگر توجه به شخصیت مجرم و خانواده اش و مرتفع نمودن نیازهای جنسی و عاطفی بزهارک می باشد جهت جلوگیری از ارتكاب اعمال منافی عفت در زندان
  - 10- داشتن برنامه هایی برای تفریح و هواخوری زندانیان در حیاط زندان بیانگر اهداف اصلاحی درمانی بوده نه ارباب و آزار محکومین، و همچنین بیانگر دیدگاههای والای ایشان در حفظ حقوق شهروندی و احترام به کرامت انسانی
  - 11- تعزیر زندانیان در مواقع لزوم دیدگاههای مکتب دفاع اجتماعی نوین مبنی بر اینکه مجرمین خطرناک باید حتماً مجازات شوند و اعمال جایگزین ها و اقدامات ترمیمی و تربیتی در خصوص این افراد مضر برای جامعه و نظم اجتماع می باشد و تنها نجات جامعه تعزیر و طرد فرد از جامعه می باشد.
  - 12- بازدید از زندانیها توسط خود آن حضرت، مدیریت صحیح با داشتن اهداف عالی فوق الاشاره در راستای فردی کردن مجازاتها و اصلاح و درمان محکومین و باز اجتماعی کردن آنها و نظارت بر اجرای صحیح احکام صادره
  - 13- تفکیک زندانیان، اوج روشنفکری آن حضرت بوده<sup>3</sup>، که این اهداف عالی آن حضرت جزء تازه ها و یافته های اخیر جرمشناسان و کیفر شناسان می باشد که در قوانین موضوعه ما بسیار کم رنگ و مغفول مانده است.
- جرم شناسان و جامعه شناسان بر این باورند که بی تردید اقدام هایی باید در جهت الغای نظام زندان ها صورت گیرد ولی تا رسیدن به آن اهداف باید از روشهای اصلاحی برای دگرگونی در اجزای نظام اجرایی زندان ها و بویژه استفاده از جایگزین های مجازات زندان و نظارت گسترده ی اجتماعی بر مجرمان بهره جست.

<sup>3</sup>-ابن همام، محمدبن عبدالواحد، فتح القدير ج5 دار اخياء التراث العربی 1319 ص471

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

مارک آنسل که به پایه گذار مکتب دفاع اجتماعی نوین معروف است ضمن اشاره به این مسأله می‌گوید که سلب آزادی از محکومان رفته رفته خاصیت تریبی خود را از دست داده است و زندان دیگر در عمل آنچه را که مدعی آن است یعنی به منظور آن ایجاد شده است ارائه نمی‌دهد، یعنی نه تنها ندامت مجرم را در بر ندارد بلکه در عمل به یک مدرسه تکرار جرم تبدیل شده است ایشان بیان می‌دارد: تردیدی نیست که در حال حاضر نمی‌توان با وضع یک ماده قانونی و با یک اشاره قلم همانگونه که در مورد اجرای مجازات اعدام (در فرانسه) عمل شد مجازات زندان را نیز ملغی کرد اما می‌توان آنرا از حالت یک ضمانت اجرایی عادی و یکنواخت خارج کرده و به صورت مجازاتی استثنایی که تنها در شدیدترین و محدودترین جرایم قابل اجرا است در آورد.

نخستین بار آنریکو فری، از بنیانگذاران مکتب تحقیقی اصطلاح جانشین‌ها را وارد حقوق کیفری کرد. به نظر او این جانشین‌ها باید به ابزارهای اصلی دفاع اجتماعی تبدیل شوند، زیرا پادزهرهای عالی برای عوامل اجتماعی بزه محسوب می‌شوند به نظر فردی «جانشین‌های کیفری همان اقدامات پیشگیرانه دفاع اجتماعی

می‌باشد که هم در سطح جامعه و هم در عرصه تشکیلات دادگستری قرار می‌گیرند.»

نمونه‌هایی از این جانشین‌ها ایجاد کوچ‌های پهن در شهرها، روشنایی در شب‌ها زیرا به کاهش دزدی و سوء قصد کمک می‌کند یا ایجاد نهادهای بیمه و کمک‌های اجتماعی برای نیازمندان با هدف جلوگیری از تکدی و کلاهبرداری به منظور امرار معاش و...

### ب- ویژگی‌های مجازات‌های جایگزین حبس

**الف)** یکی از ویژگی‌های مهم در اعمال مجازات‌ها، پیروی از اصول بنیادین حقوق جزا یعنی اصل قانونی بودن جرم و مجازات می‌باشد، که جایگزین‌های حبس نیز مستثنی از این مهم نمی‌باشد، که متأسفانه ماده 69 قانون مجازات اسلامی بیانگر این امر می‌باشد که این اصل و ویژگی مهم مجازات‌ها درخصوص جایگزین‌ها مرعی نگردیده و در متن ماده مذکور اشعار می‌دارد «مرتکبان جرایمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند» که در این خصوص نظریه مشورتی اداره حقوقی اشعار می‌دارد: نظر به اینکه اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها بموجب اصل 36 قانون اساسی و ماده 2 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، به عنوان یکی از اصول اساسی حاکم بر امور کیفری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است و به موجب ماده 10 قانون مرقوم نیز بر آن تأکید گردیده و در ماده 18 همان قانون مقرر شده است تعزیر و کیفیت دفاع و میزان آن باید به موجب قانون باشد لذا ماده 69 نمی‌تواند معارض با این قوانین باشد، بلکه این ماده نیز هماهنگ با مقررات فوق تنها ناظر به مواردی است که قانونگذار به جرم بودن عملی تصریح نموده لیکن بدون تعیین نوع و میزان مجازات، مقرر نموده است که مرتکب با رعایت دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب از وعظ و توبیخ و تهدید به مجازات تعزیری محکوم می‌شود مانند ماده 2 قانون الحاق ماده واحده به قانون گذرنامه و یا مواد 30 الی 32 و 36 قانون همه‌پرسی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1368<sup>4</sup> اما دیدگاه‌های دکترین حقوقی در حال حاضر در خصوص ماده 69 قانون مجازات اسلامی در تعارض با یکدیگر می‌باشد:

**2)** یکی از خصوصیات مهم جایگزین‌اینکه، حسب مفاد مواد 65 - 66 و 67 قانون مجازات اسلامی 1392، ملاک اعمال مجازات جایگزین حبس مجازات قانونی جرم است، ضمناً در مورد تخفیف مجازات درجه 6 به 2 درجه تخفیف، باید مجازات درجه 8 یعنی (تا سه ماه حبس) تعیین شود و از مصادیق بند 2 ماده 3 قانون وصول برخی از درآمدهای دولت .... مصوب 1373 با اصلاحات و الحاقات بعدی نیست تا دادگاه بتواند جزای نقدی یا بیش از سه ماه حبس تعیین کند.

**3)** بموجب ماده 70 قانون مجازات اسلامی، دادگاه مکلف است مجازات جایگزین را در حکم قید نماید و همچنین نوع مجازات جایگزین و مدت حبس را که بدل‌های جایگزین برای آن تعیین گردیده مشخص نماید به عبارت دیگر یکی از ویژگی‌های مجازات‌های جایگزین حبس این مهم می‌باشد که دادگاه مکلف است در صورت اعمال جایگزین‌های حبس نوع و میزان آنرا دقیقاً در آراء صادره قید نماید.

**4)** اعمال و اجرای مجازات‌های جایگزین حبس، جلوه‌ای از رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها یعنی برقراری تناسب میان مجازات یا نحوه اجرای آن با در نظر گرفتن شخصیت مجرم، نوع جرم ارتكابی، پیشینه کیفری، تعداد و دفعات ارتكاب جرم و غیره است.

**5)** یکی دیگر از تحدیدات و موانع مهم مجازات‌های جایگزین حبس، که از ویژگی‌های اساسی این نهاد محسوب می‌گردد، شرایط مندرج در ماده 64 بود که برای اعمال جایگزین‌های حبس اولاً: منوط به وجود شرایط تخفیف و ثانیاً: مستلزم اخذ رضایت شاکی بود، که صرفنظر از اینکه این دو ویژگی خود از ایرادات اساسی و تحدید بزرگ در جهت اعمال جایگزین‌های حبس بود که در آتی به آن پرداخته می‌شود اما ویژگی‌های مذکور، بیانگر این مهم می‌باشد که سیاست تقنینی و قضائی جمهوری اسلامی مبتنی بر حفظ حقوق بزه دیده و به نوعی مشارکت جامعه مدنی و اجرای عدالت ترمیمی در راستای اعمال جایگزین‌های حبس بوده است، که این نهاد نمادی بارز از یک سیاست جنایی مشارکتی می‌باشد، دیوانعالی کشور در یک اقدام شگفت‌انگیز و قابل تامل با حفظ اهداف عالی‌تدوین جایگزین‌های حبس و متناسب با فلسفه وجودی آن که اصلاح و درمان بزه‌کار و در عین حال حفظ حقوق بزه دیده بوده با توجه به مصلحت جامعه و دستگاه قضا ضمن مرتفع نمودن تحدیدات موانع مذکور، بشرح ذیل مبادرت به صدور رای وحدت رویه شماره 648 نمودند (( در اعمال جایگزین‌ها بویژه اطلاق مواد 65 تا 69 قانون مذکور چنین مستفاد می‌گردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس بشرح مندرج در مواد فوق الاشارة الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده 64 قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی‌باشد.)) که این رای دیوانعالی کشور قطعاً تأثیر بسزایی در افزایش آمار آراء دادگاه‌ها مبنی بر اعمال مجازات‌های اجتماعی نوین خواهد گذاشت، و از حیث مبانی استدلالی نیز بسیار متقن و صحیح می‌باشد چراکه در جرائم غیر قابل گذشت، شایسته نیست اهداف عالی‌تقنینی و قضائی را که متأثر از روح و فلسفه وجودی این نهاد جایگزین می‌باشد را به اراده شاکی خصوصی واگذار نمایم البته شایسته بود دیوانعالی کشور پس از مرتفع نمودن موانع مندرج در ماده 64 (از قبیل گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف و...) با حذف گذشت شاکی

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

مقرر می نمود موجبات گذشت یا پرداخت خسارت را تامین نماید، تا در این فرآیند ضمن توجه به حقوق بز هکار، قربانی جرم نیز به حیطة فراموشی سپرده نشود. اما اینکه دیوانعالی کشور در مقام تفسیر صریحاً مبادرت به نقض قانون نماید نوعی بدعت و تامل آور می باشد.

**6** همانطور که بیان شد اهداف عالی اعمال جایگزین های حبس، اصلاح و درمان مجرمین و بازپذیری اجتماعی مجرمین می باشد، یعنی برخلاف نظام سزادهی و کیفری محض مکتب کلاسیک که جرم محور بوده، دیگر تنها صرفاً به دنبال طرد بز هکار و سلب توان بز هکاری مجرمین از جامعه نبوده اند، بلکه با نظارت های ویژه و مشارکت جامعه مدنی (غیر دولتی-جامعوی) درصدد اصلاح و درمان مجرمین در کنار ترمیم ضرر و زیان وارده به بزه دیده گان، با توجه به دیدگاه های نوین مکتب دفاع اجتماعی نوین و عدالت ترمیمی بوده اند، که در این راستا می توان به اهداف برجسته جایگزین ها بشرح ذیل اشاره نمود:

**1-جامعوی بودن:** این مجازات ها فرد را از جامعه دور نمی کند بلکه مجرم در حین زندگی عادی خود و مرادوات اجتماعی که دارد مجازات را تحمل می کند و دینش را به جامعه ادا می کند. درست بر خلاف حبس که در محیط بسته زندان مجازات اعمال می شود و در اصطلاح زندانی از جامعه طرد و توان بز هکاری وی سلب می گردد. در این نهاد نه تنها طرد نمی گردد بلکه در حین انجام فعالیت روزانه دوران مجازاتش را سپری می کند او آزاد است اما باید دینش را به جامعه ادا کند این شکل از مجازات ها جامعه مدار هستند و بز هکار در جامعه باقی می ماند.<sup>5</sup>

تاکید بر استفاده از ظرفیت و توان مردم و نهادهای متعدد تاکید بر آئین نامه مجازاتهای جایگزین حبس بسیار حائز اهمیت است و نیز بر ضرورت ایجاد زیر ساختهای مستحکم و قوی تاکید می ورزد. و در واقع اساس نقش دهی به مردم به میزان پایبندی مسئولانی که باید برای مردم زمینه سازی نمایند بر می گردد. در این قانون رویکردهای نو آورانه در زمینه نقش و جایگاه مردم در پیشگیری و سزادهی بویژه در فرآیندهای تعقیب پیش بینی شده است.<sup>6</sup>

**2-مشارکتی بودن:** با توجه به اینکه فرد درون جامعه باقی خواهد ماند و در دوران مجازاتش در جامعه تردد می کند، اجرای صحیح و فایده مند این مجازاتها نیازمند مشارکت سازمانهای مختلف می باشد.<sup>7</sup>

**3-ترمیمی بودن:** ما با اعمال جایگزین های حبس به دنبال جبران خسارات مالی و معنوی جامعه و بزه دیده هستیم و سزای دهی یا طرد مجرم و تامین جنبه عمومی مجازات مد نظر مانیست بنابراین این می توان گفت که این جبران خسارات از سوی بز هکار می تواند جنبه ترمیمی داشته باشد چرا که سعی در بهبود اوضاع و احوال بزه دیده است بر خلاف حبس که بیشتر تامین کننده جنبه عمومی مجازات می باشد.<sup>8</sup> پژوهشگران اجتماعی به این نتیجه رسیده اند که نباید به هر بهانه ای مجرم را به حبس و زندان محکوم کرده چرا که این امر نه تنها نتیجه مطلوب ندارد بلکه مضرات فراوانی هم داشته است. این مسأله باعث شده که امروزه در کشورهای پیشرفته بیشتر به جانشینان حبس و زندان متوسل شوند.<sup>9</sup>

موضوع ازدحام جمعیت در زندان برای چندین دهه در سیاست های ملی و بین المللی جای داشته است. رویکرد های مقابله با ازدحام در زندان ها به کاهش ورودی به زندان ها و بازداشتگاهها و نیز کاهش مدت حبس مربوط می شوند. راهبردهای کاهش تعداد افراد ورودی به زندان ها و کاهش مدت حبس مواردی از این دست را شامل می شوند: استفاده از روشهای جایگزین پیگرد جزایی (قضازدایی) به رسمیت شناختن رویکردهای عدالت ترمیمی استفاده از روشهای دادگستری سنتی، جرم زدایی، کاهش تعداد زندانیان فاقد حکم حبس، تصدیق سیاست اعمال حبس به عنوان آخرین وسیله و استفاده بیشتر از روشهای جایگزین با اثر بخشی تأیید شده، در سیاست جنایی تقنینی کلیه جوامع بین المللی پذیرفته شده است.<sup>10</sup>

مقام معظم رهبری در فرمایشات خود که در دیدار با مسئولان قضائی کشور در راستای کاهش مجازات زندان و تبدیل به مجازاتهای دیگر در تاریخ 91/4/7 در مشهد مقدس داشته اند، دقیقاً به مجازاتهای جایگزین حبس با هدف کاهش جمعیت زندان اشاره نموده اند، همچنین بند دوازدهم سیاست های کلی قضایی (مصوب مقام معظم رهبری) در راستای اعمال سیاست های کلان دستگاه قضائی دستورالعمل (ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان) در زمینه حبس زدائی که باتوجه به ناکارآمدی زندان، به ویژه در حبس های کوتاه مدت، در زمینه بازدارندگی و اصلاح بز هکاران، به لحاظ طرد و کنار گذاشتن مجرم از اجتماع و آشنا ساختن وی با فرهنگ زندان، و نیز وجود مشکلات عدیده اجتماعی فرهنگی و بهداشتی در زندانها به دلیل افزایش جمعیت کیفری و همچنین به منظور بهره گیری بهینه از مجازات زندان و استفاده از مجازاتهای جایگزین در جهت کاستن از ضررها و آسیب های جدی زندان به افراد و خانواده زندانیان و جامعه و ضرورت اتخاذ تدابیر در فرآیند مختلف قضائی اعم از مرحله قبل از وقوع جرم، رسیدگی در دادسرا و اخذ تأمین، صدور حکم به مجازات نحوه اجرای حکم به ویژه توجه به مرحله اجرای مجازات حبس، این دستور العمل صادر شده است.

<sup>5</sup> قاسمی مقدم، ح، ارزیابی میزان اثر بخشی مجازات های اجتماعی در حقوق ایران، انگلستان و ایالات متحده آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشگاه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه امام صادق(ع)، 1385

<sup>6</sup> جمشیدی، علیرضا، سیاست جنایی مشارکتی، انتشارات میزان، چاپ اول سال 1390.

<sup>7</sup> رستمی، و، سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه حقوق و علوم انسانی دانشگاه تهران، 1384.

<sup>8</sup> غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، 1385.

**1- صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، چاپ سوم، نشر میزان، 1392**

<sup>10</sup> غلامی، حسین، ازدحام در زندان، چاپ اول، نشر میزان، 1395.

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

گفتار دوم: جایگزین های سنتی در کنار مجازاتهای جایگزین نوین

### الف- جایگزین های سنتی

#### 1- تعویق صدور حکم

تعویق صدور حکم یعنی به تاخیر انداختن صدور حکم. قانونگذار در خصوص برخی از جرایم با وجود شرایطی به دادگاه اجازه داده است که صدور حکم را به تعویق اندازد. به عبارت دیگر قاضی می تواند (در مورد متهمین) با وجود شرایط مقرر در قانون صدور حکم را به تاخیر انداخته و از آنها ضمانت حسن رفتار در مدت معینی مطالبه نماید. چنانچه در مدت مزبور رفتار وی پسندیده بود قاضی به طور قطع از صدور حکم خودداری می کند ولی هرگاه قصوری از وی ملاحظه شده و نقض عهد کرده، قاضی اقدام به صدور حکم می کند.<sup>11</sup>

یکی از نوآوری های قانون مجازات اسلامی 1392 وضع نهاد تعویق صدور حکم می باشد، چرا که به قاضی رسیدگی کننده اجازه می دهد، پس از احراز مجرمیت، باتوجه به شرایط خاص وضعیت فردی و خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب جرم در صورت وجود شرایط مندرج در بندهای الف الی ت ماده 40 صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد که این تأسیس حقوقی، بسیار جایگزین مناسبی به جای مجازات سالب آزادی می باشد، چرا که قبل از اینکه حکم محکومیت کیفری به تحمل حبس در خصوص مجرم اصدار یابد، یکبار در صورت حائز شرایط بودن فرصت قانونی به وی اعطاء می گردد تا با توجه به رهنمودهای دادگاه و نظارت کامل مددکاران اجتماعی نسبت به انجام یک یا چند مورد از دستورهای قضائی مندرج در ماده 43 قانون مجازات در مدت تعویق اقدام نماید.

البته دستورات قضائی و مصرح در ماده 43 بسیار گسترده می باشد و اینکه قاضی می تواند از بین این دستورات به یک یا چند مورد حکم نماید، به نظر می تواند موجبات تضییع حقوق فردی متهم را به همراه داشته باشد خصوصاً باتوجه به ماده 45 قانون مذکور که پس از انقضای مدت تعویق صدور حکم دادگاه می تواند باتوجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستور دادگاه گزارش های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام نماید. که به نظر می رسد ماده 45 قانون مجازات نیازمند اصلاح بازنگری یا صدور آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوانعالی کشور بوده چرا که بعد از انقضای مدت تعویق مراقبتی که همراه با دستورات قضائی بسیاری همراه بوده و عملاً برخی از حقوق اجتماعی و مدنی متهم را از وی سلب نموده در انتها بعد از 24 ماه حکم تعویق و بلا تکلیفی، ناگهان مواجه می شود با صدور حکم محکومیت که از این حیث احتمال تضییع حقوق فردی متهم بسیار محتمل می باشد. یکی دیگر از مضرات قرار تعویق صدور حکم، این امر می باشد که تحقق صدور حکم تعویق منوط به درخواست و یا ارائه تعهد قبل از صدور قرار توسط متهم می باشد مبنی بر اینکه شرایط مندرج در ماده 43 را در مدت تعویق به نحو احسن انجام خواهد داد، که این درخواست بمنزله پذیرش ارتکاب جرم نیز می باشد چرا که بموجب ماده 40 قانون مجازات اسلامی دقیقاً تصریح گردیده در جرایم موجب تعزیر درجه 6 تا هشت دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و... صدور حکم را به مدت شش ماه الی 2 سال به تعویق اندازد. همانطور که ملاحظه می گردد، دادگاه پس از احراز مجرمیت مبادرت به صدور رأی یا قرار تعویق صدور حکم می نماید یعنی با علم به مجرمیت مرتکب به جای حکم به مجازات مرتکب، قرار تعویق صدور حکم را صادر می نماید که، باتوجه به عدم تصریح قانونگذار به قابل اعتراض بودن قرار مذکور و از طرفی باتوجه به اینکه بعد از 2 سال دادگاه می تواند حسب مورد حکم به کیفر یا معافیت از مجازات صادر نماید از معایب عمده ای می باشد که با فلسفه وضع این تأسیسات که حمایت از حقوق فردی و اصلاح و درمان مجرمین می باشد مغایرت دارد.<sup>12</sup>

#### 2- تعلیق اجرای مجازات

تعویق صدور حکم برای مدت شش ماه تا دو سال در مورد جرایم تعزیری درجه 6 تا 8 برای دادگاه اختیاری است، تعلیق اجرای مجازات نیز اختیاری و برای تمام یا قسمتی از مجازات (از یک سال تا پنج سال) ضمن صدور حکم توسط دادگاه در خصوص جرایم تعزیری درجه سه تا هشت می باشد. همچنین دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری و محکوم علیه پس از اجرای یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی تقاضای تعلیق نماید. بموجب ماده 48 ق.م. اسلامی تعلیق اجرای مجازات نیز همانند تعویق صدور حکم به دو دسته تقسیم می شود. تعلیق ساده و تعلیق مراقبتی که در تعلیق ساده مجازات محکوم علیه در مدت معین بدون گرفتن تعهد و در واقع به شرط عدم ارتکاب جرم جدید تعلیق می شود. در تعلیق مراقبتی، محکوم علیه ملزم به انجام تعهداتی در دوران تعلیق می شود که در جهت منافع وی پیشگیری از سقوط او در ارتکاب جرم است.<sup>13</sup>

11- باهری، محمد، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، دانشگاه تهران، انتشارات رهام، تهران، ص 339

12- توجیهی، عبدالعلی، آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی 1392، مرکز مطبوعات و انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه

13- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، انتشارات مجد، 1392

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

برنامه های نظارت فشرده شیوه ای از نظارت است که مستلزم سطح بالایی از تماس بز هکار با مأموران اصلاح و مراقبت و نیز اعضای جامعه است. هدف این نهاد تحمیل مجازاتی است که از زندان خفیف تر و از تعلیق مراقبتی ساده شدیدتر باشد.<sup>14</sup> تعلیق مراقبتی فشرده برای بز هکاران در معرض خطری که زندان برای آنان نامناسب به نظر می رسد، طراحی شده است. این برنامه ها به منظور تدارک بالاترین نظارت و کمک به بز هکار، با هدف تغییر رفتار او در نظر گرفته می شود.

تعلیق مراقبتی ابزاری بالقوه موثر برای تسهیل باز اجتماعی کردن بز هکاران شناخته می شود. با این حال تعلیق مراقبتی و نظارت جامعه محور نهادهای قضایی در قواعد توکیو تعریف نشده و برداشت های قضاوتی از این مفهوم وجود دارد. در بسیاری از حوزه های قضایی، تعلیق مراقبتی تنها ناظر بر رفاه بز هکاران دانسته شده است، به عبارتی تعلیق مراقبتی برای بز هکار، صرفاً به این معنی است که بخش خدمات اجتماعی باید توجیهی ویژه به رفاه و دیگر نیازهای بز هکار داشته باشد. در تعدادی از کشورها، بخش خدمات مراقبتی مجازات، بیش از هر چیز مسئول نظارت بر بز هکاران جهت انجام دستور دادگاه از جمله رعایت شرایط آزادی و عدم بازگشت به زندان است.<sup>15</sup>

اختیارات قضایی اعمال کننده مجازات ها نسبت به محکومین به تعلیق مراقبتی کسانی که پس از احراز مجرمیت و عنوان اتهام باید به مجازات پیش بینی شده محکوم گردند، باتوجه به شرایط قانونی، قضایی حکم صادره را معلق می نماید، ولی در ضمن صدور حکم الزامات و شرایط و تعهداتی را نیز برای محکوم در نظر می گیرد که محکوم باید، در ضمن ایام تعلیق شرایط و تعهدات مندرج در حکم را مراعات نماید. لذا تعلیق مراقبتی یکی از اختیارات مهم و اساسی و حساس قضایی اعمال کننده مجازاتها درخصوص محکومین فوق می باشد. پس از صدور حکم، قضایی اعمال کننده مجازاتها که در اصل همان قضایی اجرای احکام کیفری در قوانین ما یا قضایی ناظر بر زندان بوده، الزامات و مواردی را که باید محکوم اجرا نماید، به وی تفهیم می نماید. هرگاه محکوم، به دستورات و الزامات دادگاه که در حکم محکومیت ذکر شده و یا به دستورات قضایی اعمال کننده توجیهی ننماید قضایی گزارشی از عدم اجرای دستورات را تهیه و به دادگاه صادر کننده حکم ارسال تا نسبت به اجرای حکم اصلی اقدام نماید.<sup>16</sup>

تعلیق مراقبتی در یک مفهوم متداول، عبارت است از نظارت بر مجرم از طریق اعمال یک روش کارشناسی این نهاد اغلب به عنوان وسیله ای قابل انعطاف، به دادگاهها اختیار می دهد تا بتوانند مجازاتهای ثابتی را که تحمیل آنها احساسات و هنجارهای عمومی را مخدوش می کند تعدیل نمایند، همچنین تعلیق مراقبتی نظارت مستمر بر مجرمین خطرناک را مجاز می داند و نظام را قادر می سازد تا عملاً و بسرعت در مقابل تغییرات رفتاری واکنش نشان دهد.<sup>17</sup>

### 3- نظام نیمه آزادی

نظام نیمه آزادی، شیوه ای است که براساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می شود. در این سیستم جایگزین حبس بطور کامل جانشین حبس نمی گردد بلکه محکوم علیه ضمن اینکه محبوس می باشد بخشی از ایام مجازات سالب آزادی را با اشتغال در خارج از زندان زیر نظر مراکز نیمه آزادی می گذراند از ویژگیهای این نهاد نسبت به سایر سیستم ها این مهم می باشد که علاوه بر ضرورت رضایت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تسلیم تعهدنامه توسط محکوم علیه همچنین ویژگی خاص این سیستم از این حیث می باشد که اجرای نهاد نیمه آزادی منوط به رضایت محکوم علیه می باشد.

از مزایای این سیستم:

- 1- عدم قطع ارتباط کامل محکوم علیه با جامعه می باشد.
- 2- ادامه فعالیت اقتصادی حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی و درمانی
- 3- مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد در راستای اصلاح و درمان مجرمین
- 4- اجرای عدالت ترمیمی مبنی بر جبران خسارت وارد بر بزه دیده در داخل و خارج از زندان وجود دارد که این از مزایای این سیستم می باشد.

از معایب این سیستم:

14- آشوری، محمد، عدالت کیفری 2، چاپ دوم، نشر دادگستر، 1394

15- غلامی، حسین، پیشگیری از ارتکاب جرم

16- کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضائی، چاپ دوم، نشر میزان، 1389

17- آقایی نیا، حسین، تعلیق مراقبتی در دنیا، چاپ اول، نشر میزان، 1376

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

1- جایگزین سنتی حبس بطور کامل اجرا نمی گردد و محکوم علیه بخشی از محکومیت خود را در زندان و بخشی را در خارج از زندان سپری می نماید.

2- اهداف عالی ای که در راستای اجرای جایگزین ها مبنی بر اصلاح و درمان مجرمین و جلوگیری از تکرار جرم متصور می باشد در این سیستم کاملاً مرعی نمی گردد.

- اگرچه اصل تدبیر تقنین، در پیش بینی نظام نیمه آزادی گام بلندی در کاستن از مضرات حبس، تقلیل زیان جامعه از محرومیت از خدمات فرد و جلوگیری از لطمه بیشتر به زندگی فردی و اجتماعی محکوم بوده، شایسته تحسین است، لیکن فقدان هرگونه ضمانت اجرایی در قبال پایبندی به تعهدات و عدم ارتکاب جرم جدید از سوی محکوم نقیصه ای غیرقابل توجیه است.
- بعلاوه خلاء یاد شده اصل لزوم هماهنگی و انسجام میان مواد یک قانون که از اصول حاکم بر قانون نگاری است را مخدوش میسازد. بر این اساس زمانی که مقنن برای تخلف از شرایط یا ارتکاب جرم جدید در تعویق، تعلیق و آزادی مشروط، تدابیری اتخاذ کرده است سکوت وی در قبال رفتارهای ذکر شده در نظام نیمه آزادی، نقصی آشکار است و احیاناً آحاله کردن آن به آیین نامه رفتاری غیرحقوقی خواهد بود.<sup>18</sup>

#### 4- نظام آزادی مشروط

آزادی مشروط فرصت و مجالی است که پیش از پایان دوره ی محکومیت به محکوم در بند داده می شود تا در طول مدتی که دادگاه تعیین می کند چنانچه از خود رفتاری پسندیده نشان دهد و دستورات دادگاه را به موقع اجرا گذارد از آزادی مطلق برخوردار شود.<sup>19</sup>

اعطای آزادی مشروط به محکومان زندانی پیش از مدت مقرر توسط دادگاه صادرکننده حکم قطعی پاسخی است به یکی از اهداف مجازات که اصلاح بزهکار و آماده ساختن وی برای بازگشت به زندگی اجتماعی است. بدین ترتیب وقتی قراین نشان از آمادگی محکوم علیه زندانی برای بازگشت به جامعه و ادامه یک زندگی شرافتمندانه دارد باید موجبات این انطباق اجتماعی را فراهم ساخت تا از محیط جرم زای زندان و تماس با بزهکاران حرفه ای در امان و مصون بماند. اعطای آزادی مشروط، از طرف دادگاه قانوناً ارفاق تلقی می شود و بدین لحاظ، شامل همه زندانیان اعم از زن یا مرد و با هر سن و سالی در صورت وجود شرایط می شود.<sup>20</sup>

آزادی مشروط یک مسأله مدیریتی است. این نهاد حقوقی فرد را از زندان آزاد نمی کند. او را از پیامدهای کیفی عمل اش بری نمی کند، و مجازات او را تخفیف نمی دهد، لکه ی ننگ ناشی از عمل مجرمانه را پاک نمی کند، و مجازات را از میان نمی برد، رأی دادگاه را لغو نمی کند، بلکه به زندانی اجازه می دهد که بخشی از مجازات خود را بیرون از زندان بگذراند. آزادی مشروط یا آزادی صلاحیددی از دیگر ساز و کارهای آزادی همانند عفو، آزادی اجباری و آزادی غیر مشروط متمایز می شود. بهره ور آزادی مشروط در عمل و از نظر قانونی تحت نظارت مقام های مربوط قرار دارد و در محدودیت به سر می برد. مجازات به طور کامل معتبر است و هر زمان که فرد شرایطی را که بر اساس آنها آزاد شده، رعایت نکند یا رفتار مناسبی نداشته باشد، به زندان بازگردانده می شود. آزادی مشروط به گونه ای که اکنون اجرا می شود، بخش جدایی ناپذیر فرایند اصلاحی تربیتی را تشکیل می دهد و به خودی خود شیوه ی آزاد سازی گزینشی مجرمان از زندان و قرار دادن آنها تحت نظارت در اجتماع است. در نتیجه افزون بر آن که مجرم با اجتماع سازگاری می یابد جامعه نیز حمایت مستمری به دست می آورد.<sup>21</sup>

#### فواید آزادی مشروط - تأسیس آزادی مشروط، محاسن زیادی دارد که بشرح زیر خلاصه می شود:

اول: آزادی مشروط، محکوم را به داشتن رفتار و اخلاق نیک ترغیب و تشویق می کند. زیرا فقط در این صورت است که یک زندانی می تواند از آزادی مشروط استفاده کرده، مدت حبس خود را کوتاه نماید.

دوم: امید به استفاده از این امتیاز قانونی، موجب تسهیل نظم و انضباط در داخل زندان ها می شود.

سوم: آزادی مشروط، محکومین را به کار خود علاقه مند نموده، سبب می شود که در حرفه خود تخصص یافته و پس از آزادی قطعی، بتواند از آن استفاده نمایند.

18- توجیهی، عبدالعلی، آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی، انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه.

19- جناب آقای اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی

20- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، مجد 1392

21- آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بنیادین، چاپ دوم، دانشگاه تهران، 1385



## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

چهارم: الغای آزادی مشروط در صورت بروز رفتار ناشایست تهدیدی است که آزاد شده را پس از خروج از زندان، از گرایش به بدی و ارتکاب جرم مجدد باز می‌دارد.<sup>22</sup>

### ب- مجازاتهای نوین جایگزین حبس

پیش از این به جایگزین های سنتی مجازات حبس، از جمله تعلیق اجرای حکم، تعویق صدور حکم و آزادی مشروط اشاره گردید که در حال حاضر درصد بیان یکی از نهادهای نوین جایگزین حبس که به انضمام خدمات عام المنفعه (خدمات عمومی رایگان) و جزای نقدی روزانه که برای اولین بار در نظام تقنینی و قضایی ما به شکل قانونی رسمیت پیدا نموده اند هستیم.

#### 1- دوره مراقبت

به عنوان یکی از جایگزین های حبس دارای پیشینه تقنینی در نظام کیفری ایران نبوده و برای نخستین بار در سال 1384 تحت عنوان مجازاتهای اجتماعی وارد نظام حقوقی ایران گردید. اما به نظر می‌رسد قانونگذار نیاز به مراقبت را احساس نموده بود چرا که در مورد تعلیق مجازات که عده ای از حقوقدانان بزرگ دوره مراقبت را همان تعلیق مراقبتی میدانند؛ قانونگذار از سال 1346 به فکر مراقبت نمودن از مشمولین تعلیق بوده در سال 1346 قانون تعلیق اجرای مجازات در هفده ماده به تصویب رسید در این قانون مراقبت، پیش بینی نشده بود منتها قانونگذار، وزارت دادگستری را مکلف کرده بود که ظرف پنج سال از تصویب قانون مذکور وسایل اعمال نظارت بر مجرمین را که مجازات آنها معلق شده و یا در مدت تعلیق، دستوراتی برای آنها صادر شده فراهم نماید. لازم به ذکر است به رغم وجود تشابهاتی میان سه اصطلاح تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم و دوره مراقبت اما این سه اصطلاح کاملاً متمایز از یکدیگر بوده که جهت تبیین موضوع به بررسی این موارد می‌پردازیم:

اصطلاح تعلیق اجرای مجازات بیانگر به تأخیر یا تعویق افتادن اجرای مجازات است که ممکن است بطور ساده یا مراقبتی باشد و اصطلاح «تعویق صدور حکم» بیانگر به تأخیر یا تعویق انداختن صدور حکم محکومیت است نه اجرای مجازات و ممکن است بطور ساده یا مراقبتی باشد که بطور مفصل توضیح داده شد. اما اصطلاح دوره مراقبت یا به تعبیری «تعلیق مراقبتی فشرده» یکی از ضمانت‌های اجرایی نوین است که برای کاهش آثار تبعی زندان ایجاد گردیده است. لذا باتوجه به اینکه دوره مراقبتی نیز در عمل همان شرایط و آثار تعلیق مراقبتی فشرده را دارا می‌باشد و یک ضمانت اجرای مستقل جانشین حبس محسوب می‌شود از این رو، هر جا از تعلیق مراقبتی فشرده صحبت می‌شود منظور ناظر بر دوره مراقبتی نیز می‌باشد.<sup>23</sup>

#### 2- خدمات عام المنفعه

خدمات عمومی به معنای کار و وظیفه ای است که به نفع تمامی اعضای جامعه صورت می‌گیرد.<sup>24</sup>

کار عام المنفعه نهادی است که به موجب آن دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند تا با انجام کاری به نفع جامعه به جای رفتن به زندان در صدد جبران خطای ارتكابی خویش برآید.<sup>25</sup>

کیفر خدماتی عام المنفعه، کار مجانی، به مقدار و ساعت معین با موافقت محکوم، برای یک موسسه، اتحادیه یا نهاد عمومی که تحت نظارت قاضی اعمال کیفرها، اعمال میشود.<sup>26</sup>

اجرای این طرح به مجرم فرصت می‌دهد تا افزون بر ادای دین خود به جامعه در برابر جرم ارتكابی خود، مهارت های جدید کسب کنند که در بازگشت دوباره آنها به جامعه موثر باشد. این همکاری می‌تواند فرصت شغلی مفید بیشتری را برای مجرمین و جامعه فراهم آورد. با اجرای خدمات عمومی مجرمین مهارتهای اجتماعی را برای باز اجتماعی شدن فراخواهند گرفت.<sup>27</sup>

با توجه به عقاید مختلف که در رابطه با خدمات عام المنفعه بیان شد به نظر می‌رسد ویژگی جامعه‌ی بودن و همچنین ترمیمی بودن جایگزین های حبس بسیار برجسته می‌باشد چرا که در این نوع از مجازات نیاز به مشارکت اجتماعی در حد بالایی وجود دارد و سعی بر اجتماعی شدن بزه کار است و با انجام خدمات عمومی به صورت رایگان مجرم به نوعی دینش را به جامعه ادا خواهد کرد و همچنین به جبران خسارت و ترمیم نظم مختل شده جامعه می‌پردازد. به نظر می‌رسد این نوع از جایگزین در مورد جرایمی که جنبه عمومی جرم در آنها پررنگ تر است. گزینه مناسبی باشد.

22- صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، چاپ سوم، نشر میزان، 1392

23- آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بنیادین، چاپ دوم، دانشگاه تهران، 1385

24- خالقی، ا، کار بجای زندان، فلنامه علمی پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، شماره 3، 1386

25- واحدی، ح، جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، نشریه پیام آموزش، 1387.

26- کاشفی، ح، و دیگران، کیفرهای جایگزین زندان در حقوق فرانسه، مجله حقوق دادگستری، شماره 36، 1380.

27- میر شمس شهنشاهی، م، خدمات عمومی ارائه شده مجرمین، همایش راهکار کاهش جمعیت کیفری، شیراز.

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

### 3- جزای نقدی روزانه

جزای نقدی روزانه یکی از تدابیر جدید حقوقی است که در جهت هر چه بهتر اجرا شدن مجازات های نقدی وارد سیستم قانونگذاری کشور ها شده است. و بسیاری از کشورها در موارد کم اهمیت علی الخصوص جرائم خلافی این مجازات را بکار بسته اند.

از راهکار های پیشنهادی در زمینه حل مشکلاتی که بر سر راه اعمال کیفر جزای نقدی وجود دارد می توان به نظام (( روزهای جزای نقدی)) یا (( جریمه های روزانه)) اشاره کرد این نظام ابتدا در کشور های شمال اروپا به وجود آمد.<sup>28</sup>

جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح ماده 85 قانون مجازات اسلامی مورد حکم واقع می شود و با نظارت اجرای احکام وصول می شود.

محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف مدت 10 روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.

به نظر مارک آنسل، جنبش سیاست جنایی امروزی، برای از بین برداشتن مشکلات ناشی از مجازات جزای نقدی، نظام جریمه روزانه، را پیشنهاد کرده است که آن (جزای نقدی) باتوجه به اوضاع و احوال مربوط به جرم ارتكابی و نیز (میزان درآمد و مخارج متهم) تعیین می گردد.

یکی از حرکت های کاملاً جدید برای مؤثرتر و عادلانه تر کردن جریمه های نقدی، اجرای جریمه های نقدی روزانه است. همانگونه که برخی صاحب نظران نوشته اند، این جریمه ها به این دلیل «جریمه روزانه» نامیده می شوند که میزان آنها با درآمد روزانه ی مجرم ارتباط و پیوستگی دارد.<sup>29</sup>

اگرچه پیش بینی جزای نقدی روزانه و ملاحظه وضعیت اقتصادی محکوم، گام بلندی در راستای فردی کردن مجازات ها محسوب می شود، لیکن ابهامات متعددی در عملکرد مقنن، مشاهده می شود. به عنوان نمونه، در ماده فوق، مشخص نشده است که منظور از درآمد روزانه، درآمد خالص محکوم است یا درآمد ناخالص؟ سازوکار محاسبه درآمد غیر کارمندان و غیر مستخدمان، کدام است؟ بعلاوه چرا که مقنن در تبصره ماده یاد شده محکوم را در پایان هر ماه، ظرف ده روز موظف به پرداخت جزای نقدی روزانه آن ماه کرده است. درحالی که در متن ماده، سخن از درآمد روزانه مطرح شده است؟ بعلاوه با عنایت به اینکه غالباً درآمد افراد و هزینه های آنها بر اساس ماه محاسبه می شود، آیا بهتر نیست به جای جزای نقدی روزانه، جزای نقدی ماهانه، مورد توجه مقنن قرار گیرد؟<sup>30</sup>

### 4- جزای نقدی

جزای نقدی یکی از مجازات های اصلی تعزیری و بازدارنده در حقوق ایران است که جزء کیفرهای مالی محسوب و به موجب آن متهم به پرداخت مبلغی وجه رایج به صندوق دولت ملزم می شود.

کیفر جزای نقدی به دلیل اینکه معایب و خطرات زندان را به دنبال ندارد و با وضعیت مجرمین از حیثیتی شدت و ضعف جرم و سابقه و شخصیت و نیز میزان درآمد آنها قابل انطباق است و از نظر اجرایی هم کم هزینه و سهل الاجراست، امروزه بسیار مورد توجه قانونگذاران و مسئولین سیاست جنائی کشورهای مختلف قرار گرفته و روبه گسترش است.<sup>31</sup>

جزای نقدی در زمره مجازات های تعزیری است که برخلاف مجازات های بدنی و سالب آزادی و حیثیت هیچگونه تعرضی به جسم و شخصیت معنوی و آزادی محکوم ندارد، بلکه نظر به مال وی داشته و اجرای آن ایجاد نقصان در مال محکوم است. جزای نقدی از زمره ی مجازات مالی است که گاه به صورت مجازات اصلی (ماده 541 ق.م.ا 1357) و گاه به صورت مجازات تکمیلی یا تئیمی اجباری (ماده 707 ق.م.ا 1357) یا اختیاری (ماده 708 ق.م.ا 1357) مورد حکم دادگاه قرار می گیرد.

جزای نقدی دارای کارکردهایی است که یکی از آنها نقش جایگزینی آن است. به عبارت دیگر جزای نقدی یکی از برنامه های مجازات های بینابین یا جایگزین است - چه به شکل مستقل و چه به شکل کیفر تبدیلی - که در کشورهای زیادی از جمله ایران از آن به عنوان مجازات مجرمین استفاده می شود.

<sup>28</sup>- آنسل، م، دفاع اجتماعی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی و محمد آشوری، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، 1375.

<sup>29</sup>- آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بنیادین، چاپ دوم، دانشگاه تهران، 1385

<sup>30</sup>- توجیهی، عبدالعلی، آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی 1392، انتشارات مرکز مطبوعات قوه قضائیه چاپ اول، ص 134

<sup>31</sup>- احمدی، اصغر، اجرای احکام کیفری، چاپ سوم، نشر میزان، 1387

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

از دیدگاه حقوقدانان نیز معایب و محاسن ذیل بر جزای نقدی متصور می باشد که تقریباً نظرات دکترین حقوقی از این حیث برابر و یکسان می باشد:

### محاسن جزای نقدی

- 1- برعکس حبس جزای نقدی ایجاد فساد و تباهی خصوصاً در مورد مجرمان اتفاقی ندارد .
  - 2- استمرار اثر ارعابی در مجازات جزای نقدی و عدم توقف آن است و در هر حال اثر ارعابی خود را حفظ می کند (برعکس حبس)
  - 3- ایجاد تناسب با شدت و اهمیت جرم ارتكابی تا حدودی امکان پذیر است.
  - 4- بهترین واکنش برای جرائم علیه اموال است و برای جرائمی که تنها انگیزه مجرم تحصیل سود است عادلانه تر است.
- 4- اجرای کیفر نقدی هم آسان و هم مقرون به صرفه است.<sup>32</sup>

### معایب جزای نقدی

- 1- با اصل شخصی بودن مجازات ها مخالف است زیرا خواه ناخواه اثر آن با خانواده محکوم هم سرایت می کند.
- 2- با اصل تساوی مجازات ها مخالف است رنج و عذابی که این روش بر یک مستمند اجرا می کند به مراتب بیشتر از رنج و عذابی است که بر یک ثروتمند اعمال می کند.
- 3- مجازات نقدی بر خلاف سایر مجازاتها قطعیت و حتمیت ندارد. اجرای این روش مستلزم دسترسی به اموال مجرم و همکاری وی با مجنی علیه در معرفی اموال است.
- 4- جزای نقدی منافع زیادی برای دولتها دارد و علت اینکه آراء محاکم بطور چشمگیری مزین به جزای نقدی می باشد، صرفاً جنبه سودمندی آن برای دولت مدنظر بوده و الا شک و تردیدی وجود ندارد که در بین سایر جایگزینها از کمترین مراتب اصلاحی و درمانی برخوردار می باشد.

### 5- مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی بعنوان مجازات جایگزین حبس

از آنجا که حقوق اجتماعی و شغلی برای افراد در جامعه امتیازهایی ایجاد می کند، محدودیت و سلب این حقوق به عنوان ضمانت اجرای برخی اعمال مجرمانه به کار گرفته می شود. این ضمانت اجراها اکنون بیشتر جنبه حمایتی و تأمینی پیدا نموده اند تا ضمن امنیت جامعه از تکرار جرم پیشگیری کرده و مجرمان را تحت کنترل و مراقبت اصلاحی در آورند. ماده 19 قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 محرومیت از حقوق اجتماعی را مجازات تنمیمی دانسته و ماده 3 قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح صراحتاً آن را مجازات جایگزین حبس شمرده است.<sup>33</sup> حقوق اجتماعی و شغلی اساسی ترین حقوق انسان را تشکیل می دهند و تعیین کننده هویت افراد و نقش آنها در جامعه می باشد. به موجب اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. نقشی که حقوق اجتماعی و شغلی در زندگی افراد ایفا می کند بهره مندی آن را به صورت امتیازی در آورده است که محرومیت از آن می تواند مشکلات عمده ای را فراهم نموده و عرصه فعالیت های اجتماعی و اقتصادی را برای انسان محدود نماید به همین جهت حقوق اجتماعی و شغلی افراد محترم و غیر قابل تعرض شناخته شده است. اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این مورد مقرر می دارد « حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند»<sup>34</sup>

محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات جایگزین حبس، در ماده 64 ق.م.ا 1392 نیز محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان یکی از اقسام مجازاتهای جایگزین حبس احصاء گردیده اما قانونگذار در هیچ یک از مواد فصل نهم از بخش دوم کتاب اول این قانون، برخلاف سایر مجازات های جایگزین حبس، هیچ اشاره ای به این مجازات یعنی محرومیت از حقوق اجتماعی و احکام و شرایط اختصاصی آن نمی نماید.

<sup>32</sup> حسن پور، اکرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، بروجرد، 1393، نقش مجازات های جایگزین حبس در کاهش جرائم و تکرار جرم

<sup>33</sup> فاخری، نریمان، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، چاپ چهارم، نشر سمت، 1390

<sup>34</sup> فاخری، نریمان، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، چاپ چهارم، نشر سمت، 1390

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

شبهه ای که ممکن است در بین حقوقدانان و روبه قضایی ایجاد شود، اینکه آیا محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان یکی از مجازاتهای جایگزین حبس تلقی نمی شود؟ و یا اینکه به لحاظ اشاره قانونگذار به محرومیت از حقوق اجتماعی تحت عنوان مجازات های تکمیلی و تبعی در فصل دوم این قانون و بیان مقررات مربوط به آن نیازی به تکرار آن در فصل نهم نبوده است؟

دکترین حقوقی در زمینه اعمال مجازاتهای جایگزین حبس اعتقاد دارند با توجه به:

1- اصل قانونی بودن مجازات 2- لزوم تفسیر مضیق و نمایی از قوانین جزایی 3- عنوان فصل نهم از بخش دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی 1392 (مجازات های جایگزین حبس) 4- صراحت بیان مندرج در ماده 64 قانون مزبور مبنی بر اشاره به مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان یکی از مصادیق مجازات جایگزین حبس، دادگاه می تواند حسب مورد از این مجازات در قالب یکی از عناوین ذیل به ترتیب:

الف) مجازات تکمیلی (مواد 23 و 24)

ب) مجازات تبعی (موضوع مواد 25 و 26)

ج) مجازات جایگزین حبس (موضوع مواد 64 به بعد) قانون مجازات اسلامی استفاده نماید.<sup>35</sup>

### گفتار دوم: شرایط و الزامات ناظر بر اعمال جایگزین های حبس

#### الف - اختیاری بودن جایگزین ها

بموجب ماده 67 و قسمت اخیر ماده 68 به ترتیب در جرایم عمدی و غیر عمدی اعمال مجازاتهای جایگزین حبس توسط دادگاه اختیاری می باشد.

تخییری بودن اعمال مجازات جایگزین حبس از یک طرف مفید به نظر می رسد، که دادگاه باتوجه به آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و بطور کلی در راستای فردی کردن مجازات و اصلاح و درمان مجرم تشخیص می دهد که کدامیک از مجازاتهای حبس یا جایگزین آنرا اعمال نماید و ایراد عمده مترتب بر این تخییری بودن اعمال جایگزین های حبس این موضوع می باشد، که دادگاهها هیچگونه تمایلی به اجرای مجازاتهای جایگزین حبس ناظر بر ماده 64 به بعد قانون مجازات اسلامی نداشته و مجازات غالب رایج در محاکم مجازات سالب آزادی می باشد.

دادگاهها در مقام تخفیف، مجاز به تعیین مجازات کمتر از سه ماه حبس می باشند فی المثل اگر حداکثر مجازات قانونی جرمی یک سال حبس باشد طبق ماده 67 قانون مجازات اسلامی اخیر التصویب در صورت عدم وجود شرایط موضوع ماده 66 قانون مزبور، دادگاه می تواند متهم را به مجازات جایگزین محکوم نماید. اما چنانچه از این اختیار استفاده نکرد و تصمیم گرفت مقررات مربوط به تخفیف را اعمال کند. وفق بند الف ماده 37 قانون مجازات اسلامی می تواند مجازات حبس را به میزان یک تا سه درجه تخفیف دهد و چون حداکثر مجازات قانونی (مثال اعلام شده) یکسال حبس است (درجه ششم موضوع ماده 19 همان قانون) با فرض اینکه بخواهد دو درجه تخفیف دهد باید به مجازات درجه 8 محکوم نماید و چون یکی از مجازاتهای درجه 8 حبس تا سه ماه می باشد در این صورت تعیین حبس کمتر از سه ماه بلا اشکال است.<sup>36</sup>

#### ب - ممنوعیت های اعمال مجازات های جایگزین حبس

##### ممنوعیت اعمال جایگزین های حبس در تعدد جرایم عمدی

بموجب ماده 72 قانون مجازات اسلامی تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.

تعدد مادی جرایم عمدی ناظر بر ماده 134 قانون مجازات اسلامی می باشد، که در صورت تحقق جرایم عمدی چنانچه مجازات قانونی حداقل یکی از آنها شش ماه حبس باشد سبب سلب حق اعمال جایگزین های حبس موضوع ماده 64 قانون مجازات اسلامی خواهد شد.

<sup>35</sup> حاجی تبار فیروزجائی، حسن، مجازات های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول،

نشر فردوسی، 1393

<sup>36</sup> نظریه مشورتی شماره 7/92/1166 مورخ 1392/6/18 اداره کل حقوقی

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

به موجب مواد 131 و 134 و مفهوم مخالف ماده 137 قانون مجازات اسلامی 1392، اصطلاح «تعدد جرم» را می توان چنین تعریف نمود: «ارتکاب حداقل دو یا چند رفتار مجرمانه ی مستقل و مجزا از شخص بدون اینکه یک سابقه محکومیت قطعی حد فاصل میان جرایم وجود داشته باشد» بر این اساس، شرایط اعمال ماده 72 مزبور عبارتند از 1- ارتکاب حداقل دو یا چند رفتار مجرمانه ی مستقل و مجزا 2- فقدان هرگونه سابقه محکومیت قطعی 3- حداقل دو فقره از جرایم ارتكابی عمدی باشند.

اما ماده 66 قانون مجازات اسلامی 1392 در ارتباط با تکرار جرایم عمدی مقرر می دارد «مرتکبین جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند مگر این که به دلیل ارتکاب جرم عمدی به شرح زیر دارای سابقه محکومیت کیفری باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

علت ممنوعیت اعمال مجازات های جایگزین حبس در حالت تعدد و تکرار جرایم عمدی، آن است که ارتکاب جرایم عمدی از سوی شخص دلالت بر حالت خطرناکی وی می نماید.<sup>37</sup>

بموجب ماده 71 قانون مجازات اسلامی 1392 اعمال جایگزین های حبس در خصوص جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ممنوع است باتوجه به ارزشی که ملل گوناگون همیشه برای حاکمیت خود قائل بوده اند و باتوجه به تلاش حکام در جهت حفظ قدرت و حاکمیت خود خطرانی که جرایم علیه امنیت می توانند برای حاکمیت و استقلال آنها ایجاد نمایند، از قدیم الایام مقررات سختی راجع به جرایم علیه امنیت وجود داشته است.

### اعمال جایگزین ها همراه با مجازات تکمیلی

گاهی قانونگذار علاوه بر تعیین مجازات، اصلی مجازات دیگری در تکمیل مجازات اصلی پیش بینی کرده است. اگر قاضی بخواهد مرتکب را علاوه بر مجازات اصلی به مجازات تکمیلی هم محکوم کند باید مجازات تکمیلی را در دادنامه تصریح نماید. مجازات تکمیلی در قانون به دو صورت ممکن پیش بینی شده باشد:

#### 1- مجازات تکمیلی اجباری:

در این مورد قاضی حتماً باید بزهدار را علاوه بر مجازات اصلی به این مجازات هم محکوم کند مثل ضبط اشیاء و اموالی که یا از جرم تحصیل شده و یا وسیله ی ارتکاب جرم بوده مجازات تکمیلی اجباری است.<sup>38</sup> در برخی از موارد قانونگذار برای تکمیل مجازات اصلی مجازات دیگری را نیز تعیین می کند.<sup>39</sup>

#### 2- مجازات تکمیلی اختیاری:

در این صورت قاضی اختیار دارد در جرایم عمدی علاوه بر مجازات اصلی، بزهدار را به این مجازات نیز محکوم کند، یعنی به اختیار قاضی واگذار شده است. به بیان دیگر در برخی موارد قانونگذار به قاضی اختیار می دهد که در جهت تکمیل مجازات اصلی، مجازات دیگری نیز تعیین کند. اجباری یا اختیاری بودن مجازات تکمیلی منوط به اراده ی قانونگذار است.<sup>40</sup>

بموجب نظریه مشورتی شماره 7/92/2300 مورخ 92/12/4 اداره کل حقوقی منظور از مجازاتهای تبعی و یا تکمیلی در ماده 87 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 محرومیت از حقوق اجتماعی به شرح ماده 26 همین قانون است. ماده 87 به دادگاه اختیار داده است ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس باتوجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات های تبعی نیز محکوم نماید که در این صورت حالت مجازات تکمیلی را دارد.

### اعمال جایگزین ها همراه با مجازاتهای تبعی

گاهی قانونگذار علاوه بر تعیین مجازات اصلی، در خصوص بعضی از جرایم به تبع مجازات اصلی، مجازات دیگری را به بزهدار بار می کند، بدون اینکه نیاز باشد این مجازات در حکم قید شده باشد (برخلاف مجازات اصلی و تکمیلی). در واقع این مجازات اثری است که بر محکومیت بزهدار بار می شود. پس از اجرای حکم و گذشت مدت تعیین شده در قانون برای مجازات تبعی و رفع آثار محکومیت بزهدار قانوناً به اعاده ی حیثیت نائل می گردد.<sup>41</sup>

و این امر نشانگر میزان اهمیت آن جرم برای جامعه است که فقط برای آنها مجازات تبعی پیش بینی کرده است. در صورت پیش بینی این مجازات توسط قانونگذار، اعمال آنها اجباری است. قانونگذار در ماده 25 ق.م.ا نوعی از مجازات تبعی را نسبت به جرایمی خاص پیش

<sup>37</sup> حاجی تبار فیروزجانی، حسن، مجازات های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، نشر فردوسی، 1393

<sup>38</sup> اردبیلی، محمدعلی

<sup>39</sup> آزمایش، سیدعلی

<sup>40</sup> باهری، محمد

<sup>41</sup> اردبیلی، محمدعلی

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

بینی کرده که محرومیت از حقوق اجتماعی است. در ماده 87 قانون مجازات اسلامی آمده است. «دادگاه می تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، باتوجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود»<sup>42</sup>

### تخفیف و تبدیل مجازات

تخفیف یعنی تقلیل میزان مجازات از میزان مجازاتی که قانون تعیین کرده است به طور مثال اگر مجازات جرمی در قانون حبس تعیین شده باشد در صورت وجود جهات تخفیف دهنده قاضی می تواند در زمان صدور حکم، مجازات کمتری برای مرتکب تعیین نماید. لذا تخفیف مجازات یعنی پایین آوردن میزان مجازات از مجازاتی که قانونگذار معین کرده، وگرنه تخفیف معنی ندارد، بنابراین تعیین حداقل مجازات تخفیف محسوب نمی شود. قاضی در تعیین حداقل یا حداکثر مجازات سلطنت دارد، یعنی مورد بازخواست قرار نمی گیرد<sup>43</sup> یکی از ابزارهای مهم سیاست فردی کردن مجازات ها، اعمال کیفیات مخففه است.<sup>44</sup>

بموجب ماده 80 قانون مجازات اسلامی 1392، شرایط اعمال تخفیف و تبدیل مجازات درخصوص مجازاتهای جایگزین حبس نیز پیش بینی شده است. ماده 80 قانون مجازات اسلامی 1392 مقرر می دارد:

«چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه می تواند به پیشنهاد قاضی اجرای حکم برای یک بار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد». به موجب ماده مزبور اولاً، شرایط اصلی جهت تغییر مجازات جایگزین حبس در قالب تخفیف و تقلیل، احراز اصلاح رفتار محکوم توسط مقام قضایی است. یکی از اهداف اصلی از اجرای مجازات های جایگزین حبس، اصلاح مجرم و بازپروری ایشان می باشد و منظور از اصلاح، اصلاح درونی و رفتاری محکوم می باشد به گونه ای که یک تحول درونی در او ایجاد شود.<sup>45</sup>

### تشدید جایگزین ها

تشدید مجازات یعنی افزودن مجازات بر میزانی که در قانون برای آن عمل مشخص شده است.<sup>46</sup> این تشدید در برخی موارد به صورت افزودن به میزان مجازات از حداکثری که قانون تعیین کرده است و در برخی از موارد، الزام قاضی به تعیین حداکثر مجازات برای مرتکب، نمود پیدا می کند. در یک تقسیم بندی کیفیات مشدده عینی در مقابل کیفیات مشدده شخصی و در یک طبقه بندی دیگر کیفیات مشدده خاص در مقابل کیفیات مشدده عام و در یک تقسیم بندی دیگر کیفیات مشدده اختیاری در مقابل کیفیات مشدده اجباری قرار می گیرند.

که بموجب ماده 77 قانون مجازات اسلامی 1392، یکی دیگر از موجبات تغییر مجازات های جایگزین حبس، تشدید آن می باشد، که ماده مذکور دقیقاً اشعار می دارد: «قاضی اجرای احکام می تواند باتوجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف یا توقیف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند. قاضی مذکور به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت در اختیار دارد.» در ماده 81 قانون مزبور آمده است:

چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می شود و درصورت تکرار مجازات حبس اجراء می گردد.

### لغو جایگزین ها

معمولاً لغو مجازات جایگزین حبس ناشی از افعال عمدی محکوم می باشد که موجب اخلاص در اجرای حکم می شود و با این کار استحقاق خود را در برخورداری از مجازات های جایگزین حبس از دست می دهد و مجازات اصلی در مورد وی اجرا می شود. مثلاً تغییر عمدی محل سکونت به منظور ایجاد مانع در اجرای حکم و عدم اطلاع عمدی به قاضی مجری حکم از موجبات لغو مجازات جایگزین حبس و اجرای مجازات اصلی می باشد.

موارد لغو مجازات های جایگزین حبس در ماده 81 (تخلف محکوم از مفاد حکم یا دستورات دادگاه در بار دوم) و قسمت اخیر ماده 82 (ایجاد عمدی مانع توسط محکوم برای متوقف کردن اجرای مجازات) قانون مجازات اسلامی 1392 بیان شده که فوقاً بدان اشاره شده است.

<sup>42</sup> - آزمایش، سید علی

<sup>43</sup> - اردبیلی، محمد علی

<sup>44</sup> - دادبان، حسن، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، نیم سال دوم، 80-1379 دانشگاه تهران

<sup>45</sup> - حاجی تبار فیروزجانی، حسن، مجازات های جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، انتشارات فردوسی، 1393

<sup>46</sup> - اردبیلی، محمدعلی

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

البته در تبصره ماده 81 آمده است: «دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را صریحاً قید و به محکوم تفهیم می کند قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجراء با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می نماید.<sup>47</sup>»

### توقف موقت مجازاتهای جایگزین حبس

بموجب ماده 82 قانون مجازات اسلامی 1392 شرایط توقف موقت اجرای حکم پیش بینی شده است، که دقیقاً اشعار می دارد: «چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازاتهای جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجراء نشده آن بعد از رفع مانع اجراء می گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد مجازات اصلی اجراء می شود.<sup>48</sup>»

ماده 12 آیین نامه اجرائی ماده 79 قانون مجازات اسلامی مصوب 1393 هیأت وزیران درخصوص جایگزین خدمات عمومی رایگان، علاوه بر اشاره به وظیفه نهاد پذیرنده مبنی بر ارائه گزارش ماهانه از وضعیت شخصی، خانوادگی و اجتماعی محکوم و آثار اجرای حکم و سایر جهات ناظر بر ماده 77 قانون مجازات اسلامی، در کنار تخفیف، تبدیل و تشدید توقف موقت مجازات خدمات عمومی رایگان را وفق مقررات قانونی به دادگاه صادر کننده رأی پیشنهاد می کند.

در ماده 77 قانون فوق الذکر یکی دیگر از موجبات تغییر مجازات های جایگزین حبس، توقف موقت اجرای آن می باشد یکی از دلایل قانونی توقف موقت اجرای حکم در ماده 82 پیش بینی شده است: « چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازاتهای جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخشی اجرا نشده بعد از رفع مانع اجراء می گردد.»

### تجویز اعمال دو نوع مجازات جایگزین در حکم

تبصره ذیل ماده 64 قانون مجازات اسلامی 1392 اشعار می دارد:

دادگاه در ضمن حکم، به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می کند. دادگاه نمی تواند به بیش از دو نوع از مجازات های جایگزین حکم دهد.

بنا به تجویز تبصره ذیل ماده 64 قانونگذار اجازه تعیین و اعمال دو نوع مجازات جایگزین حبس را همزمان به قاضی می دهد. که باتوجه به هدف عالی سیاست تقنینی از وضع جایگزینهای حبس که به جای سزادهی بیشتر به اصلاح و درمان پرداخته، امکان همزمان دو نوع مجازات جایگزین حبس مثلاً دوره مراقبت با خدمات عمومی رایگان را قابل اعمال دانسته است.

البته قسمت ذیل تبصره با صدر آن مرتبط است و باید سنخیت بین جرم ارتكابی و مجازات های جایگزین وجود داشته باشد و مجازات های تعیین شده با آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم و وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال تناسب داشته باشد تا صدور حکم به دو نوع صدق پیدا کند.<sup>49</sup>

اما اعمال مجازات جایگزین حبس همزمان با تخفیف مجازات در یک حکم وجود ندارد، چرا که مجازات های جایگزین حبس یک نوع مجازات ارفاق آمیز به حال محکوم تلقی می شوند و نمی توان همزمان از دو ارفاق قانونی برای یک مجرم استفاده کرد.

همانطور که مشاهده می شود یکی دیگر از محدودیت های ناظر بر اعمال جایگزین های حبس علاوه بر اخذ رضایت شاکی خصوصی وجود جهات تخفیف می باشد، که به نظر می رسد علت عدم اعمال جایگزین های حبس در نظام قضائی و یا کم رنگ بودن استفاده از این نهاد در آراء صادره دقیقاً از این محدودیت ها ناشی می گردد، در حالیکه این مجازاتهای شاید جنبه ارفاقی داشته باشند اما خود به عنوان مجازات اصلی بوده و به هر حال زندگی فردی و اجتماعی محکوم را محدود و تحت نظارت و مراقبت های ویژه قرار داده که نمی توان آنرا به عنوان یک تخفیف کامل لحاظ نموده که جهت اجرای این مجازاتها دقیقاً شرایطی را اعمال نمایم که جهت اعمال تخفیف مجازات ناظر بر مواد 37 الی 39 قانون مجازات مد نظر می باشد، و سلب اعمال همزمان مجازات های جایگزین با یک مورد تخفیف مجازات همچون محدودیت اعمال همزمان دونوع تخفیف از ایرادات وارد بر نظام تقنینی می باشد، که اصلاح آن قطعاً از این جهت موجبات تسهیل و استفاده از مجازاتهای جایگزین را صدچندان نموده و آراء صادره به نحو چشمگیری آراسته به این نهاد و نظام حمایتی می گردد که متأثر از دیدگاه های نوین جرمشناسی و کیفرشناسی و عدالت ترمیمی می باشد.

### تخصیص مجازاتهای جایگزین حبس به مجازاتهای درجه 6 الی 8

<sup>47</sup>- حاجی تبار فیروزجانی، حسن، مجازات های جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، انتشارات فردوسی، 1393

<sup>48</sup>- منبع فوق

<sup>49</sup>- حاجی تبار فیروزجانی، حسن، مجازات های جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، ص 127، چاپ اول، انتشارات فردوسی، 1393

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

نهاد جایگزین های نوین حبس، همچون خدمات عمومی رایگان، دوره مراقبت و جزای نقدی روزانه برای اولین بار در نظام تقنینی ما وضع گردیده است که سیاست جنایی کشور ایران به تبعیت از سایر نظام های حقوقی از وضع این مجازاتهای جایگزین، رویکردهای همچون اصلاح و درمان، با سازگاری اجتماعی مجرمین، ترمیم خسارت بزه دیده، فردی کردن مجازاتها و حبس زدائی و... را دنبال می نماید، که متأسفانه با محدود نمودن و تخصیص دادن این نظام نوین مجازاتی به صرفاً درجات 6 الی 8 مجازات های مطرح در ماده 19 قانون مجازات اسلامی، بطور گسترده ای عملکرد این نهاد حمایتی اصلاحی را تضعیف می نماید چنانچه در مواد 65 و 66 و 67 در خصوص جرائم عمدی بیان گردیده که مجازات آنها حداقل سه ماه تا حداکثر یکسال را در نظر گرفته یعنی بیشتر از مجازات قانونی یکسال در جرائم عمدی اصلاً امکان اعمال جایگزین حبس وجود ندارد که مواد 65 و 66 ناظر بر اعمال جایگزین ها بصورت تکلیفی برای قاضی بوده، ماده 67 جنبه تخییری داشته و دادگاه در اعمال یا عدم اعمال جایگزین ها مخیر است.

محدودیت ناظر بر تکرار و تعدد جرم که مانع از اجرای مجازاتهای جایگزین حبس می گردد، موضوع مواد 64 و 72 قانون مجازات اسلامی و همچنین محدودیت قانونی عدم اعمال همزمان مجازات جایگزین حبس در کنار تخفیف مجازات موضوع ماده 73 قانون مجازات اسلامی جملگی سبب تضعیف گسترده این نهاد از لحاظ کمی و کیفی در اعمال مجازاتهای جایگزین حبس گردیده است. و ایراد دیگر اینکه بموجب ماده 74 قانون مجازات اسلامی مقررات این قانون در مورد احکام قطعی که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون صادر شده است اجراء نمی شود، که این امر مغایر با اصل قانونی بودن جرم مجازات ناظر بر آثار آن یعنی عطف بماسبق شدن قوانین جزایی در صورت مخفف بودن به حال متهم می باشد و شایسته بود باتوجه به اینکه این نهاد حقوقی اعمال مجازات ها، مساعدتر و مخفف تر به حال متهم بوده، نسبت به احکام قطعی که قبل از لازم الاجرا شدن این قانون صادر و هنوز اجراء نشده است نیز اعمال گردد که با کمال تأسف قانونگذار در ماده 74 صراحتاً اعمال مجازاتهای جایگزین حبس را که مساعدت به حال متهم بوده در خصوص احکام قطعی سابق الصدور ممنوع نموده که این محدودیت علاوه بر مغایرت با اصل عطف بماسبق شدن قوانین موضوع ماده 10 قانون مجازات اسلامی بوده همچنین شدیداً در تعارض با سیاست جنایی اعمال جایگزین ها و اهداف جرم زدائی و حبس زدائی و اصلاح و درمان مجرمین می باشد.

نتیجه گیری

1- علیرغم گذشت سالها از تاسیس نهاد زندان به عنوان مجازات بزهکاران و با وجود ظهور مکاتب فکری در تبیین جرم و واکنش در مقابل آن و پیشرفت علوم جرم شناختی، اما هنوز این نهاد به عنوان کیفر اصلی توسط محاکم جزایی اعمال می شود، چراکه نصوص قانونی مبتنی بر کیفر گرایی بوده، هرچند که از هدف سزادهی و ارعابی محض به سمت اصلاح و درمان بزهکاران حرکت و تغییر چشمگیری داشته ولی باز هم یگانه مجازات حکم حاکم و غالب در محاکم کیفری مجازات حبس می باشد.

2- آمارها حکایت از این دارد که مجازات حبس در سیستم قضایی ما در گذشته و حال وضعیت مطلوبی نداشته و از طرف دیگر با سیاست هایی که از طرف شارع مقدس اسلام مدنظر است آن سازگاری لازم را نداشته چراکه در موازین فقهی و شرعی برای موارد محدودی شارع مقدس حبس و زندان پیش بینی کرده است، در خیلی از موارد مجازات هایی که در اسلام پیش بینی شده است، جنبه اجتماعی دارد و نگاه شارع مقدس هم به باز اجتماعی کردن فرد است، که نمونه احیای آن در دادگاههای نوین امیرالمومنین می باشد که در برخورد با محکومین کلیه تازه ها و یافته های جدید جرم شناسی و کیفر شناسی را در جهت اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی محکومین لحاظ می نمودند، در حالیکه طبق تحقیقاتی که در یک بازه ی زمانی مرکز تحقیقات و پژوهشهای مجلس شورای اسلامی انجام داده بود نزدیک به 400 الی 1500 عنوان مجرمانه در قوانین داریم که بیش از 400 عنوان آن مجازات حبس دارند که این امر بیانگر عدم توجه به مصالح اجتماعی و رویکردهای اصلاحی و تربیتی و باز اجتماعی شدن فرد است.

3- سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران، نیز با وضع قانون مجازات اسلامی 1392 و اختصاص فصل نهم این مجموعه به مجازاتهای جایگزین حبس، به پیروی از رهنمودهای مقام معظم رهبری و سیاست های کلی و راهبردی نظام و دستورالعمل ساماندهی کاهش جمعیت زندان و الهام از آموزه های جدید جرم شناسی و کیفرشناسی در صدد اصلاح و درمان مجرمین و باز اجتماعی کردن آنها و پرهیز از اندیشه و تدبیر سزادهی و سرکوبگرانه صرف برآمده است.

4- گرایش قانونگذار به سمت یافته های نوین جرم شناسی و کیفر شناسی زمانی ارزشمند و والا می باشد که پیامدهای قضائی و اجرائی آن که در آراء دادگاهها تجلی و متبلور می گردد حاکی از اعمال مجازاتهای جایگزین حبس با نگرش بر فلسفه وجودی آن، یعنی اصلاح و درمان مجرمین، فردی کردن مجازاتها، پیشگیری از تکرار جرم، کاهش جمعیت کیفری زندان و حبس زدایی باشد، که با کمال تأسف نتایج حاصله بیانگر این مهم می باشد که به لحاظ موانع و تحدیدات عدیده تقنینی و خلاء ها و ابهامات موجود در قانون مجازات اسلامی ناظر بر مجازاتهای جایگزین حبس و همچنین ناکارآمدی آئین نامه اجرایی آن و فقدان بستر فرهنگی مناسب در جهت تغییر نگرش کیفر گرایی و سزادهی صرف به سمت جایگزین های اجتماعی سبب گردیده که قضات هیچگونه رغبتی به اعمال جایگزین های نوین حبس از خود نشان نمی دهند.



## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

5- یکی از ویژگی های مهم در اعمال مجازاتها، پیروی از اصول بنیادین حقوق جزا یعنی اصل قانونی بودن جرم و مجازات می باشد، که جایگزین های حبس نیز مستثنی از این مهم نمی باشد که متأسفانه ماده 69 قانون مجازات اسلامی بیانگر این مهم می باشد که این اصل و ویژگی مهم مجازاتها در خصوص جایگزین ها مرعی نگردیده در حالیکه بموجب اصل 36 قانون اساسی و ماده 2 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 که از اصول اساسی حاکم بر امور کیفری در نظام حقوقی ما پذیرفته شده و به موجب ماده 10 قانون مرقوم نیز بر آن تاکید گردیده و در ماده 18 همان قانون مقرر شده است تعزیر و کیفیت و نوع و میزان آن باید به موجب قانون باشد، که از این حیث ماده 69 مغایر با قوانین می باشد، و همچنین در مورد ماده 74 که اعمال مجازاتهای جایگزین حبس به جرائم سابق بر وضع آن اصل را بر عطف بماسبق نشدن این قوانین دانسته، مغایر با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و آثار ناشی از زندان یعنی عطف بماسبق شدن قوانین جزایی بوده در مواردی که خفیف تر و مساعدتر به حال متهم است، که از این حیث نیز جایگزین ها در خور اصلاح و تغییراتی می باشد.

6- یکی دیگر از تحدیدات و موانع مجازاتهای جایگزین حبس، که از ویژگی های اساسی این نهاد محسوب می گردید شرایط و الزامات مندرج در ماده 64 بود که اعمال جایگزین های حبس اولاً: منوط به گذشت شاکی ثانیاً وجود جهات تخفیف، صرف نظر از اینکه این دو ویژگی خود از ایرادات اساسی و مانع مهم جهت اعمال جایگزین های حبس بود اما ویژگی های مذکور بیانگر این مهم می باشد که سیاست تقنینی و قضائی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر حفظ حقوق بزه دیده و به نوعی مشارکت جامعه مدنی و اجرای عدالت ترمیمی در راستای اعمال جایگزین ها حبس بوده است، که این نهاد نمادی بارز از یک سیاست جنایی مشارکتی می باشد. دیوانعالی کشور در یک اقدام شگفت انگیز و قابل تامل با حفظ اهداف عالی تدریس جایگزین های حبس و متناسب با فلسفه وجودی آن که اصلاح و درمان بزهکار و در عین حال حفظ حقوق بزه دیده بوده با توجه به مصلحت جامعه و دستگاه قضا ضمن مرتفع نمودن تحدیدات و موانع مذکور، مبادرت به صدور رای وحدت رویه شماره 648 نمودند» در اعمال جایگزین ها بویژه اطلاق مواد 65 تا 69 مذکور چنین مستفاد می گردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس بشرح مندرج در مواد فوق الاشاره الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده 64 قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی باشد» که این رای دیوانعالی کشور تاثیر بسزایی در افزایش آمار آراء دادگاهها مبنی بر اعمال مجازاتهای اجتماعی نوین خواهد بود. صرف نظر از اینکه دیوانعالی کشور در مقام تفسیر قانون مبادرت به نقض صریح قانون نموده است که این خود جای تامل دارد.

8- نتایج تحقیقات بیانگر این امر می باشد، که بسته های فرهنگی و اجتماعی و قضائی در خصوص اعمال جایگزین های حبس در کشورمان فراهم نمی باشد، تا حدی که حتی قشر تحصیل کرده و حقوقدانان ما نیز اعتقاد به کیفرگرایی دارند، و تنها راه مبارزه با بزهکاری را در اعمال مجازات خصوصاً نوع رایج آن یعنی حبس می دانند، و نه تنها فرهنگ جامعه بطور عام بلکه قشر دانشگاهی و قضائی بطور خاص دیدگاهی مبتنی بر افکار مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک داشته و هنوز به آن باور و یقین نرسیده اند که از تازه های جرم شناسی و کیفر شناسی در قلمرو حاکمیتی خود استفاده نمایند، که جملگی این عوامل سبب می گردد که قانونگذار حکیم نیز، که خود برخاسته از این فرهنگ و سنن می باشد در وضع قوانین نهایت احتیاط را نموده و مجازاتهای جایگزین حبس را صرفاً معطوف نماید به درجات 7 و 8 و بخش اندکی از درجه 6 در حالیکه در این حد نیز جنبه تخییری اعمال آن بر جنبه الزامی غلبه داشته و علاوه بر آن با موانع و تحدیدات بیشماری مواجه می باشد که دیوانعالی کشور با توجه به رای وحدت رویه شماره 746 بخشی از این موانع را مرتفع نمود از جمله حذف نمودن شرایط و الزامات مصرح در ماده 64 قانون مجازات اسلامی در اعمال این جایگزینها می باشد.

9- خلاءهای تقنینی در کنار ابهامات عدیده موجود، امکان تفسیرهای چندگانه را از قوانین فراهم نموده که این شیوه قانون نگاری شایسته قانونگذار حکیم نمی باشد، به عنوان نمونه در باب محرومیت از حقوق اجتماعی که در قسمت مجازاتهای تکمیلی و تبعی بموجب ماده 25 و 26 به آن اشاره گردیده، در مجازاتهای جایگزین حبس نیز در ماده 64 به آن اشاره گردیده است که مشخص نیست با این وصف اعمال جایگزین خاص جایز است در کنار مجازات تکمیلی و تبعی در خصوص محرومیت از حقوق اجتماعی جایز است یا خیر؟ و همچنین اختلاف نظر ها در باب قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مبنی بر ابقاء یا الغاء آن، که در این خصوص ابهام و خلاء تقنینی وجود دارد و موارد عدیده دیگر که نیازمند بازنگری و اصلاحات قانون یا صدور آراء دیوانعالی کشور می باشد.

پیشنهادات:

پژوهش حاضر و نتایج حاصله از آن، که با استفاده از آخرین دست آورد های علمی و تقنینی و قضائی با بهره مندی از کتب و مقالات و از همایش ها و سمینارها و کارگاههای آموزشی معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه و پژوهشگاه قوه قضائیه و همچنین نقطه نظرات دکترین حقوقی قوه قضائیه و دانشگاهها و نهایتاً تجزیه و تحلیل آراء قضائی، جملگی بیانگر بدو ضرورت اصلاحات و تغییرات اساسی در خصوص مجازاتهای جایگزین حبس بوده، متعاقباً متناسب با آن اصلاحات نظام قضائی نیز متحول و به سمت یافته های نوین جرم شناسی و کیفر شناسی و اقدامات تأمین تربیتی و اصلاحی درمانی حرکت نماید که جهت نیل به این اهداف عالی و مرتفع نمودن موانع پیشنهادات و سازوکارهای ذیل ارائه می گردد:

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

- 1- فصل نهم قانون مجازات اسلامی 1392 ناظر بر مجازاتهای جایگزین حبس، شدیداً نیازمند اصلاح و بازنگری می باشد، تا شرایط و الزامات تقنینی سختگیرانه و تحدیدکننده که سبب بی رغبتی و عدم تمایل قضات در اعمال جایگزین های حبس بوده، از جمله شرایط مندرج در ماده 64 و 66 قانون مجازات اسلامی که بخشی از آن را دیوانعالی کشور مرتفع نمود تسهیل گردد، بسیار کارگشا در اعمال جایگزینها خواهد بود.
- 2- ابهامات و خلاء های تقنینی که در باب مجازاتهای جایگزین حبس وجود دارد، مرتفع گردد از جمله در خصوص جزای نقدی و قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب 1373 که ابهام ابقاء یا الغاء قانون وصول در حال حاضر موضوع همایش ها و سمینارها و اختلاف نظرهای قضائی گردیده است و همچنین شفاف سازی در خصوص برخی جایگزین ها از جمله محرومیت از حقوق اجتماعی که از یک طرف در قانون مجازات اسلامی به عنوان تشدید مجازات تحت مجازاتها تکمیلی و تبعی به مجازات اصلی متهم افزوده می گردد و از طرفی دیگر به عنوان جایگزین حبس ارفاقی در ماده 64 بیان می گردد که از لحاظ فلسفه وجودی و همچنین نحوه اعمال این مجازاتها در کنار هم ابهامات عدیده ای را در حال حاضر به وجود آورده است. و واقعاً مشخص نیست که این مجازات اجتماعی و حمایتی با این اوصاف قابلیت اجراء دارد یا خیر چرا که در قانون مجازات اسلامی برخلاف سایر جایگزینها به اوصاف و شرایط و ویژگی های آن پرداخته نشده صرفاً در ماده 64 به آن اشاره نموده است در حالیکه سایر جایگزینها از جمله خدمات عام المنفعه، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، دوره مراقبت جملگی مورد توجه خاص قانونگذار بوده است.
- 3- اختصاص جایگزین ها به درجات 4 و 8 و بخشی از درجه 6 که نهایتاً میزان حداکثر مجازات آن به دو سال حبس، آن هم بصورت اختیاری، بیانگر فاصله افکار تقنینی ایران با فلسفه وجودی اعمال جایگزین های حبس می باشد روح حاکم بر نظام تقنینی بر کیفر گرایی محض بوده و از این جهت رد پای بسیار کم رنگی از جایگزینها در قوانین ما دیده می شود در حالیکه چنانچه از مطالعات تطبیقی در این خصوص بهره مند گردیده و به قیاس با نظامهای قضایی پیشرو در این زمینه مبادرت به وضع جایگزین ها و بومی سازی آن با فرهنگ و سنن خود در این صورت به فلسفه وجودی جایگزینها که به دنبال حبس زدایی و اصلاح و تربیت مجرمین و باز اجتماعی کردن آنها بوده نزدیک شده و ضرورت و اهمیت آن نیز بیشتر مورد توجه قرار می گرفت.
- 4- تغییر نگرش افکار عمومی جامعه بطور عام و قضات و وکلای و دست اندر کاران مرتبط با قضا و کیفر بطور خاص مبنی بر پرهیز از کیفر گرایی محض، چنانچه افکار حقوقی به سمت یافته های نوین جرمشناسی و کیفر شناسی که 1400 سال پیش امیرالمومنین علی (ع) این آموزه هارا مبنای سیاست جنایی قضائی اسلامی خود قرار داده بوده، هدایت نمائیم، به وقوع پیوستن این رویداد بزرگ مستلزم پیوند بین دانشکده های حقوق و محاکم قضائی کیفری بوده تا از استحکام این پیوند، منبسط در دانشگاهها به علوم جرم شناسی و کیفر شناسی و جامعه شناسی جنایی و آموزه ها و دستاوردهای جدید آنها اهمیت فراوانی داده، دانشجویان حقوق را به تفکر در فلسفه وجودی مجازاتها، حق بر مجازات نشدن، و احترام به کرامت والای انسانی آموزشی داده تا روح آنها را از کیفرگرایی مطلق تلطیف نموده و افکار نوین اصلاحی و تربیتی را جایگزین اربعایی تنبیهی صرف نمایم تا در آینده که این دانشجویان لباس فاخر قضاوت و وکالت را به تن می نمایند، به دور از هرگونه اندیشه های مستبد و کیفرگرا در صدد اصلاح و درمان مجرمین در راستای حفظ حقوق شهروندان و احترام به آزادیهای مشروع برآیند. با توجه به دغدغه های مقام معظم رهبری در خصوص حبس زدایی و کاهش جمعیت زندان و همچنین سیاست های کلان و راهبردی قوه قضائیه در خصوص کاهش جمعیت زندان و دستورالعمل های ریاست قوه قضائیه در خصوص حبس زدایی و وجود جایگزین های سنتی و نوین در قوانین جزائی، رهنمودهای معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه و پژوهشگاه قوه قضائیه جملگی قضات محترم را هدایت و تشویق می نمایند، به سمت اعمال جایگزین های نوین حبس که آمار قضائی بیانگر رشد تدریجی اعمال جایگزین ها بوده، خصوصاً شعباتی که آراء آنها از مبانی استدلالی و تحلیلی و علمی بیشتری برخوردار است، بطور چشمگیری آراء خود را مزین به این جایگزین ها نموده اند، که به نظر نگارنده چنانچه اجبار تقنینی گردد مبنی بر اینکه عدم اعمال جایگزین مستلزم دلیل و منطق قضائی می باشد و اصل بر اعمال آنها باشد قطعاً دامنه اعمال جایگزینها و نهایتاً حبس زدایی بطور شایسته تری متبلور می گردد.
- 5- به نظر نگارنده، چنانچه جنبه تخییری اعمال جایگزینهای حبس را الزامی نمایم، حداقل تا درجه 6 که مدنظر قانونگذار بوده در جرائم عمدی افراد تحت شمول آن به میزان مطلوبی افزایش پیدا کرده، که این امر به فلسفه وجودی جایگزینها نیز نزدیکتر است.
- 6- تجربه و تحلیل آراء صادره بیانگر این مهم می باشد که اولاً قضات بین جایگزین های نوین و سنتی، غالباً جایگزینهای سنتی را اعمال می نمایند و ثانیاً در بین جایگزینهای سنتی از جمله جزای نقدی، تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط غالباً جزای نقدی و در حله دوم تعلیق اجرای مجازات صادر می نمایند، که به نظر شایسته است، دیدگاههای قضائی به سمت مجازاتهای جایگزین نوین از جمله دوره مراقبت، خدمات عام المنفعه، جزای نقدی روزانه و حتی در بین سنتی ها نظام نیمه آزادی و تعویق صدور حکم پیش جلب گردد چراکه جزای نقدی با فلسفه و روح حاکم بر اعمال جایگزین

## Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

ها تطابق ندارد. جزای نقدی که در قانون وصول برخی از درآمدهای دولت وضع گردیده و سالیان سال خود منبع درآمد عظیمی برای دولت و قوه قضائیه بوده از اساس با اصل تساوی و برابری مجازاتها و با اصل شخصی بودن مجازاتها در تعارض بوده و نه تنها هیچگونه آثار اصلاحی درمانی و پیشگیرانه نداشته بلکه خود مخرب بوده و زندانیان بیشماری هستند که به لحاظ عجز از پرداخت جزای نقدی در زندان محبوس هستند.

7- راه کارهای نظارتی و مراقبتی و نهادها و موسسات مسئول اجرای آنها، (دستگاههای پذیرنده) وظایف و حدود اختیارات دستگاههای پذیرنده و تعامل آنها با قوه قضائیه خصوصاً اجرای احکام به طور دقیق و روشن در قانون پیش بینی گردد که از این حیث اصلاح آئین نامه اجرایی که عملاً تاکنون ناکارآمد و غیر قابل استفاده بوده خود سبب کمرنگ شدن اعمال جایگزینها در نظام قضائی گردیده است، که شایسته است با آسیب شناسی دقیق جایگزینها و رفع موانع و تحدیدات تقنینی فوق الاشاره متناسب با این اصلاحات آئین نامه اجرایی نیز اصلاح و تغییر نموده تا شاهد اجرای صحیح عدالت در راستای حق بر مجازات نشدن باشیم.

### منابع و مأخذ

- 1- احمدی، اصغر، اجرای احکام کیفری، چاپ سوم، نشر میزان، 1387
- 2- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی
- 3- ابن همام، محمد بن عبدالواحد، فتح القدر ج5 دار اخفاء الثرات العربی 1319 ص471
- 4- آزمایش، سیدعلی، استاد حقوق جزای ایران، سخنرانی با موضوع "حق بر مجازات نشدن" تهران- دانشگاه علامه طباطبایی
- 5- آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازاتهای بینابین، چاپ دوم دانشگاه تهران 11385
- 6- آشوری، محمد، عدالت کیفری 2، چاپ دوم، نشر دادگستر، 1394
- 7- آقایی نیا، حسین، تعلیق مراقبتی در دنیا، چاپ اول، نشر میزان، 1376
- 8- آنسل، م، دفاع اجتماعی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی و محمد آشوری، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، 1375.
- 9- باهری، محمد، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، دانشگاه تهران، انتشارات رهام، تهران، ص339
- 10- توجهی، عبدالعلی، آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی 1392، مرکز مطبوعات و انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه
- 11- جمشیدی، علیرضا، سیاست جنایی مشارکتی، انتشارات میزان، چاپ اول سال 1390.
- 12- حاجی تبار فیروزجانی، حسن، مجازات های جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، انتشارات فردوسی، 1393
- 13- خالقی، ا، کار بجای زندان، فلنامه علمی پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، شماره 3، 1386
- 14- دادیان، حسن، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، نیم سال دوم، 80-1379 دانشگاه تهران
- 15- رستمی، و، سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه حقوق و علوم انسانی دانشگاه تهران، 1384.
- 16- صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، چاپ سوم، نشر میزان، 1392
- 17- غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، 1385.
- 18- غلامی، حسین، ازدحام در زندان، چاپ اول، نشر میزان، 1395.
- 19- غلامی، حسین، پیشگیری از ارتکاب جرم
- 20- فاخری، نریمان، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، چاپ چهارم، نشر سمت، 1390
- 21- قاسمی مقدم، ح، ارزیابی میزان اثر بخشی مجازات های اجتماعی در حقوق ایران، انگلستان و ایالات متحده آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه امام صادق(ع)، 1385
- 22- کاشفی، ح، و دیگران، کیفرهای جایگزین زندان در حقوق فرانسه، مجله حقوق دادگستری، شماره 36، 1380.
- 23- کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضائی، چاپ دوم، نشر میزان، 1389
- 24- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، انتشارات مجد، 1392
- 25- میر شمس شهبهانی، م، خدمات عمومی ارائه شده مجرمان، همایش راهکار کاهش جمعیت کیفری، شیراز.
- 26- نیکنام، ریاست شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان فارس، مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی، مجازاتهای جایگزین حبس، معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه، اردیبهشت 1395
- 27- واحدی، ح، جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، نشریه پیام آموزش، 1387.



Psychology and Educational Sciences  
Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium